

علیه سیاست

به آتش کشیدن روستاها

به مبارزه برخیزیم!

صفحه ۲

اخبار عملیات پیشمرگان فدائی

☆ طی بهار شته عملیات هماهنگ در تاریخ ۲۹ تیرماه پیشمرگان فدائی ضمن به دست آمدن انداختن بمبهای از بمبزدوران تا مین پایگاه "سه رسته" و مین گذاری محل تردد آنها بخشی از تاسیسات پایگاه "سه رسته" را به هم کوبیدند.

☆ روز ۲۷ تیرماه پیشمرگان فدائی با نفوذ در منطقه تحت حفاظ دشمن، مسزودوان تا مین جاده "کاتی بی - برده بک" را مورد حمله جورانه خود قرار داد و عده ای از آنها را به محلا کتربادند.

صفحه ۴

سرمقاله بحران مناسبات سیاسی در کردستان و نقش حزب دمکرات در آن

ساله مناسبات فیهامین نیروهای سیاسی در کردستان، امروز به ساله گروشی جنبش انقلابی خلق کرد بدل گشته است که در گوییهای کنونی حزب دمکرات و کومه له یکی از وجوه بحران است. این مناسبات و نقطه تقابل اساسی آن است. در گوییهای که در طول شرفاه گذشته بلا انقطاع ادامه داشته و دارد و هیچگونه چشم انداز روشنی نیز برای پایان دادن به آنها وجود ندارد، بلکه بالعکس در فقدان یک سرخورد اصولی و دمکراتیک به مسائل مربوط به این در گوییها از سوی برخی نیروها، حوزه شغل تهمات ناشی از این تداوم ایله از محسوده دونیروی مذکور فراتر رفته، خود به عرصه سرخورد های گسترده تری مناسبات فیهامین نیروهای سیاسی بدل گردیده است. در حقیقت گسترش روز افزون در گوییهای کنونی، اینکه خود به عاملی برای تشدید وضعیت حاکم بر عرصه سیاسی کردستان نیز بدل شده است.

در این شماره

نگاهی به

مبارزات توده ای

در کردستان (سپتامبر سال ۶۲)



☆ اخبار جنبش توده ای

در گوییهای حزب دمکرات و کومه له

و

موضع اپورتونیستی راه کارگر

تداوم در گوییهای حزب دمکرات و کومه له در حقیقت امروز به یک جنبش مبارزات حاد جنبش انقلابی خلق کرد بدل شده است. این که ادامه این در گوییها در شرایط کنونی - ما در شرایط کنونی به منافع حیاتی جنبش انقلابی خلق کرد لطمات جبران ناپذیری وارد ساخته و بهاری از دستاوردهای آن را لگدمال می کنند کم و بیش مورد انظار اکثریت نیروهای سیاسی موجود در کردستان بوده و هست. ولی این واقعیت که کدام نیرو و از چه طریقی به ادامه کدام سیاسی

هه موو میله تیک مافی دیاری کردنی چاره نویسی خوی هه یه

انفجحه ۱

بحران مناسبات ...

امروز دیگر هیچ کس پوشیده نیست که بدون حل مسئله و قطعی این مساله، جلوگیری از وخامت بیشتر وضعیت تا سامان کنونی در مناسبات فیمابین نیروهای سیاسی امکان پذیر نیست. مبادا که ابتدائی ترین حقوق دمکراتیک در مناسبات متقابل نیروها، تحت هر مستحکم و عنوانی زیر پا گذاشته نشود، برخورد های غیر اصولی و ضد دمکراتیک و نهایتاً توسل به اسلحه جایگزین هرگونه برخورد دمکراتیک با موازین انقلابی جنبش گردد، طبیعتاً آمیدی به پایان یافتن درگیری های خونین کنونی و حل مشکل موجود در عرصه روابط میان نیروها نمی توان داشت. در چنین صورتی آنچه که بیش از همه محتمل است، وخامت هرچه بیشتر اوضاع کنونی، کشتن روز افزون به سوی قطعی شدن ناگزیر جنبش است. تحلیل چنین شرایط پیشری بر جنبش کنونی، طبیعتاً تالیف زیانبار خود را در ابعاد بسیار گسترده تر از آنچه که در شش ماه گذشته آشکار ساخته است، بر جای خواهد گذاشت و لطامات جبران ناپذیری را بر روند کنونی جنبش وارد خواهد نمود.

اما گسره اصلی کجاست و چه کسی مسئول چنین وضعیتی است.

بدون هیچ تردیدی باید گفت که حزب دمکرات گردستان، با عدم پذیرش هرگونه آتش بسی و تاکید بر پیش شرط های غیر اصولی خود، در امر خاتمه دادن به درگیری ها کنونی، تا به حال نقش اصلی را در ادامه وضعیت کنونی داشته است. و امروز نیز با ادامه سیاست خود در قبال درگیری های خود، کومه له و گسترش حوزه نفوذ آن به انحاء گوناگون به محدود فعالیت دیگر نیروها، عملاً راه هرگونه برخورد اصولی با معضلات کنونی را نه تنها سد کرده است، بلکه در مدد هرچه وخیم تر نمودن اوضاع نیز هست. حزب دمکرات در این زمینه آن چنان پیش تاخته است که به جای برخورد سیاسی به مواضع نیروهای انقلابی در مورد سیاست های خود، فرسار

هیل من مبارز در محیط فعالیت سیاسی و نظامی گردستان را سردار است. و علناً بی نظاری خود را به ابتدائی ترین حقوق دمکراتیک توده ها از قبیل آزادی بیان و عقیده، با وضوح کاملی آشکار ساخته است. امروز دیگر روشن شده است که حزب دمکرات نه تنها تمایلی به پایان دادن به درگیری های کنونی ندارد، بلکه بیش از همیشه و با هر بهانه ای به دنبال گسترش حوزه نفوذ آنها نیز هست. حزب دمکرات، به معنای قرار دادن خود، به سه شک و شکین کردن نیروها، پرداخته است، دست به تهدید و اوجاب مخالفین سیاسی خود در گردستان زده است. افکار آنها را پسا پساداران و حامیان بهم یکی دانسته، این مجبور را مسادر کرده است که پیغمبران حزب امکان هرگونه عملی را از آنها سلب نمایند و به تهدید حزب دمکرات مبنی بر بیرون راندن آنها از گردستان انقلابی، جاسه عمل بپوشانند. تاکنی جرات مخالفت با حزب دمکرات و تبلیغ علیه سیاست های او را نداشته باشد این عین دمکراسی مورد نظر حزب دمکرات، این مدعی دمکراسی برای ایران است که امروز در گردستان انقلابی در مدد اجرای آن می باشد. حزب دمکرات با زور و تهدید و اوجاب، می خواهد نیروهای انقلابی را رادار به شکت کند و تصور می کند که قادر است چنین محال و خواب و خیالی را به انجام برساند. دمکراسی مورد نظر حزب دمکرات، دمکراسی زور و تهدید از يك سو استخفاف چاکر منشی از سوی دیگر است. حزب دمکرات دمکراسی را تنها در الطاف می بیند که از طریق خود او شامل حال این ها آن نیروی سیاسی مورد تائید او می گردد. دمکراسی حزب دمکرات، فاقد هرگونه تعاطی برای آراء و عقاید نیروهای دیگر در مخالفت با سیاست ها و اهداف و برنامه های حزب دمکرات است.

نگاهی به آخرین ارزیابی حزب دمکرات از نیروهای سیاسی و سیاست اعلام شده حزب دمکرات در برخورد به آنها، این واقعیت را هرچه بیشتر روشن می سازد.

حزب دمکرات در آخرین برخورد خود با نیروهای سیاسی، آنها

را " طبق تحلیل ها و مواضعشان نسبت به حزب دمکرات " بطور کلی به سه دسته تقسیم می کند: دسته اول را از نظر حزب دمکرات نیروهای مثل کومه له تشکیل می دهند که سیاست حزب دمکرات در قبال آنها روشن نیست. دسته دوم نیروهای مورد تقیم حزب دمکرات را کسانی تشکیل می دهند که حزب دمکرات را به عنوان رهبر جنبش ملی و سراسری گردستان شناخته ... و پس از حزب روابط نزدیک با او دارد. اما روی سخن حزب دمکرات در آخرین موضع گیری خود با دسته سوم، از نیروها است که به اقتضای حزب دمکرات:

" ظاهر " مانند کومه له خود را

دشمن حزب دمکرات معرفی

نمی کنند لیکن خود را دوست

و همکار حزب نیز نمی دانند:

و در پاسخ حزب دمکرات

اعلام می دارند که: با اجازه

حزب دمکرات یا هیچ گردگیر

به فعالیت و مبارزه دست نزده اند

و اصل حساب بر دادن به

حزب دمکرات و امثالهم نیستند.

و دست این دسته از نیروها

نیز هستند که امروز به

موضع گیری صریح خود، کاسه

مهر حزب دمکرات را لبریز

کرده اند و او را مجبور به

توضیح و تشریح دمکراسی

خود نموده اند.

حزب دمکرات نظر خود را در

مورد این دسته از نیروها در دو

تکّه خلاصه کرده است:

(۱) این دسته باید انتظار

هیچگونه همکاری از حزب

نداشت باشند. به هیچ وجه نباید

با پیغمبران حزب همراه

گردند. ... و در کنارهای

حزبی به ایجاد مقر دست

بزنند.

(۲) در هر حال باید پذیرند

که گردستان میدان بی صافی

نیست. ... هر فعالیتی در

گردستان باید در جهت

منافع و مصالح و مطابق مهمل

و اجازه مردم گردستان

باشند. ... باید بدانند:

در گردستان حزب دمکرات

بزرگ ترین و چشم گیر ترین نماینده

مردم گردستان است. ... اگر

در صفحه ۱۱

علیه سیاست

به آتش کشیدن روستاها به مبارزه برخیزیم!

نموده و نیست، به ویژه در فصل سرما قطعا رژیم قادر نیست نیروهایش را در این گونه مناطق کوهستانی و زیر ضربات کوبنده پیشمرگان دلیس خلق کسر و حفظ نماید. همین واقعیت نیز رژیم را به اجرای چنین سیاست درمشتانده ای کشانده است. سیاستی که همپون تمامی سیاست های ارتجاعی دیگر رژیم علیه زحمتکشان خلق کرد، محکوم به شکست قطعی است.

این امر امروز دیگر بر همگان روشن شده است که رژیم جمهوری اسلامی نه تنها با تمامی ساز و برگ نظامی خود، بلکه با تمامی سیاست های درمشتانده خود در طول شش سال گذشته، نتوانسته است کوچکترین موفقیتی در تحقق اهداف ارتجاعی خود در کردستان بدست آورد. همیشه و در همه حال، حتی در مهمیزترین پایگاهها و پادگان های نظامی خود نیز یک لحظه از ضربات برق آسا و سرکبار و همیشگی پیشمرگان قهرمان خلق کسر در، در امان نمانده است. وحشت و هراس در سرک، هر روز و هر لحظه چون سایه مزدوران رژیم را در اقصای نقاط کردستان تعقیب نموده و می نماید. در حقیقت می توان گفت، رژیم با اعمال چنین سیاست های علیه زحمتکشان روستاهای کردستان، در صدد انتقام کشی از جنبش انقلابی خلق کرده و جبران شکنجهای خود، در طول شش سال گذشته است. رژیم جمهوری اسلامی امروز با آتش زدن روستاهای مقاوم کردستان، در صدد آن است که اهالی زحمتکش این روستاها را از حمایت پیشمرگان و از پافشاری بر اهداف انقلابی و دموکراتیک خود، باز داند و وادار به تمکین به سیاست های ارتجاعی خود نماید. و در اراده و عزم استوار این زحمتکشان در یافتاری بر اهداف انقلابی جنبش در کردستان خللی ایجاد نماید. ولی بر هیچ کس پندیده نیست، سردمی که ایک بیش از شش سال است در مقابل انواع و اقسام فشارهای رژیم جمهوری اسلامی اعم از معاصره اقتصادی، تسوی و ضربه باران و... بنا سری افسرانته از ارمان های خود در صدد ۲۱

هرچه سریعتر، خانه و کاشانه خود را ترک نمایند.

در منطقه مهاباد نیز، مزدوران رژیم با یورش به روستاهای چوارگا بعد از غارت خانه و کاشانه اهالی این روستا را به آتش کشیده اند.

رژیم جمهوری اسلامی با اجرای چنین سیاست درمشتانده ای مجز و توانی خود را در مقابل اراده آهنین زحمتکشان روستاهای مقاوم کردستان به نمایش گذاشته است. این رژیم ارتجاعی هرکجا که قادر نیست کنترل سرکوبگرانه خود را اعمال نموده، و یا مدت طولانی با تمام ساز و برگ نظامی خود در آنجا حضور پیدا کند، دست به اعمال چنین سیاستی می زند. بسیاری از روستاهای که ایک طعمه حریف گشته اند و اهالی زحمتکش آنها آواره گوها شده اند، همگی در مناطق قرار دارند که رژیم به راحتی قادر به کنترل آنها نبوده و نیست و در حقیقت مزدوران سرکوبگر رژیم دست به اعتدال کشی از زحمتکشان چنین مناطقی زده اند.

برای نمونه می توان گفت که روستاهای منطقه که لی به رده ویش را رژیم جمهوری اسلامی تنها به یک ارتش ترکیه و با عملیات هماهنگ نظامی در دولت ارتجاعی در شمال کردستان ایران، توانست همین چند ماه پیش تحت کنترل بگیرد و بنا به امر مزدوران رژیم علیه تمام یورش های شکست خورده خود، توانسته بودند. به تسخیر این روستاها موفق گردند. بدیهی است که حفظ و کنترل بر این روستاها نیز برای مزدوران رژیم چندان ساده

و روز ۲۱ تیر ماه، مزدوران سرکوبگر رژیم سرک از جایی ها، پاسداران و ارتشی ها طی یک یورش همه جانبه به روستاهای شرمین که لی به رده ویش اهالی این روستاها را به زور سر نیزه و قنداق تنگ از خانه و کاشانه شان بیرون رانده، هر دو روستا را بعد از تخلیه از اهالی به آتش می کشند. و اهالی زحمتکش این روستاها را بدن هیچ گونه وسیله زندگی و سرپناهی آواره گوها و روستاهای اطراف نموده، به اهالی چند روستای دیگر در این منطقه نیز اخطار می دهند که هرچه سریعتر، خانه و کاشانه خود را ترک نمایند.

این اولین بار نیست که رژیم جمهوری اسلامی در کردستان دست به چنین اقدامات جنایتکارانه ای می زند، ولی اخیرا اعمال این سیاست ارتجاعی در اقصای نقاط کردستان ابعاد وسیعی به خود گرفته است. مزدوران رژیم در اجرای همین سیاست ارتجاعی طی یک ماه گذشته تنها در منطقه ارومیه علاوه بر روستاهای فوق چند روستای دیگر از جمله روستاهای کچیکران، جوی کاولان، دهان، نامرآباد، لوشان را نیز به آتش کشیده اند.

علاوه بر منطقه ارومیه در تاریخ ۲۹ خرداد ماه نیز مزدوران رژیم در نقطه، با پنج هلی کوپتر به منطقه کوهستانی پیرشاخان یورش آورده، پس از آتش زدن محمولات و مواد سوختنی اهالی روستاهای بازرگان، در این منطقه، از اهالی زحمتکش دیگر روستاهای این منطقه نیز خواسته اند که

کمیته های مخفی مقاومت را باید در هر شهر و روستا ایجاد کنیم

پیشمرگان فدایی طی یک رشته عملیات هماهنگ ضربات خردکننده‌ای به مزدوران پایگاه "سهریه‌رد" وارد آوردند

خودبینانان در این عملیات
قهرمانانه که به گفته و زخمی
شدن تعدادی از نیروهای دشمن
و منهدم شدن بخشی از پایگاه
سهریه‌رد انجامید کمترین
آسیبی به پیشمرگان سازمان وارد
نیامد.

عصری همان روز نیز در اثر
انفجار یکی دیگر از مجموعه
مین های کار گذاشته شده توسط
رقتای پیشمرگه سازمان در نزدیکی
پایگاه سهریه‌رد، یکی از مزدوران
دشمن به هلاکت رسید. با انفجار
این مین دشمن هراسان از حمله
مجدد پیشمرگان با دیگر تسا
سات ها اطراف پایگاه را با انواع
ملاحهای سنگ و سنگر و
آ. بی. بی. جی ۷ می‌کوبید و جرات
بهرین آمدن از پایگاه را نداشت.

عملیات کمین گذاری

پیشمرگان فدائی

در جاده "برده یکه - گانی بی"

روز ۲۷ تیرماه یک واحد از
پیشمرگان فدائی در جاده
گانی بی - برده یکه
به کمین مزدوران تأمین جاده
نقشه و راس ساعت ۱۰:۰۰ تعدادی
از مزدوران را غافلگیری نمایند.
رقتای پیشمرگ که تا ۱۰ ضری
مزدوران پیشرفته بودند مزدوران
تأمین جاده را زیر آتش ملاحهای
خود می‌گیرند، که در نتیجه از آنها
در دم به هلاکت رسیده نفر سوم
زخمی شده و به کنار جاده می‌افتد.

با شروع تیراندازی رقتای
پیشمرگ، دیگر مزدوران روزم
نیز متوجه حمله پیشمرگستان
قهرمان فدائی شده، وحشت -
زده به گلوله باران محل درگیری
می‌پردازند. شدت آتش
مزدوران رژیم به حدی بود که
رقتا علی‌رغم تسلط بر محصل
درگیری از آوردن اسلحه
مزدوران به هلاکت رسیده صرف
نظر نموده و بعد از انجام
موفقیت آمیز عملیات سالم به
محل های از قبل تعیین شده
باز می‌گردند.

کمیته کردستان
سازمان جریکهای فدائی خلق ایران
۳۵/ تیرماه ۶۴

قهرمانان دستهای دیگر از
پیشمرگان فدائی که از ساعت ۲
بامداد در نقطهای نزدیک به
پایگاه اصلی سهریه‌رد مستقر
شده بودند، با شلیک موشک
آ. بی. جی ۷ و گشودن
سلاحهای سنگ و نیمه سنگین
خود بر روی پایگاه عملیات ضربه
خود را آغاز کردند. طی بیش
از نیم ساعت که کلیه مراکز حساس
پایگاه مذکور زیر ضربات گریخته
سلاحهای پیشمرگان قهرمانان
فدائی قرار داشت، دشمن
کاملاً غافلگیر شده و فرصت
واکنش و مقابله با آنها را نداشت.
پیشمرگان فدائی بعد از درهم
کوبیدن مواضع مهم دشمن در این
پایگاه با موفقیت کامل عقب نشینی
کردند. در این زمان رقتای گسره
کمین نیز که مأموریت ضربه زدن
به مزدوران تأمین را با پیروزی
پایان رسانده بودند، با آرایش
لزم به مواضع تعیین شده خوش
عقب نشینی کردند، و به دیگر
رقتای قهرمان خود پیوستند.
زخمیشان روستاهای منطقه که از
نخستین شلیک همراهِ گرش بزنک
تایچ عملیات پیشمرگان انقلابی
این سرزندان را زیر خورشید،
با آغوش باز و به گرمی از پیشمرگان
سازمان استقبال کردند و با شادی
خبر عملیات موفقیت آمیز آنان را
سینه به سینه می‌گردانند. مزدوران
سرگرم رژیم پس از عملیات
جسورانه پیشمرگان سازمان در مانده
و زمین تا سحابی پراز آنکه
رقتا منطقه درگیری را ترک
کرده بودند، همچنان اطراف پایگاه
خود را چهار باران می‌گردانند
و دیوان وار زیر شلیک سلاحهای
سنگ و سنگین گرفته بودند.

روز ۲۸ تیرماه پیشمرگان
قهرمان فدائی با انجام یک رشته
عملیات هماهنگ شامل عملیات
مین گذاری کمین و حمله به
پایگاه مزدوران تعدادی از
مزدوران سرگرم مستقر در
پایگاه سهریه‌رد، پانسه را
به هلاکت رسانده و بخشی
از پایگاه مزدور را در هم
کوبیدند.

در همین روز دسته‌ای از پیشمرگان
سازمان محل استقرار گروه تأمین
پایگاه سهریه‌رد را با ملاحهای
بیش از استقرار مزدوران این
پایگاه مین گذاری کرده و به
کمین آنها نشستند. در هماهنگی
با این رقتا دسته‌ای دیگر از
پیشمرگان از ساعت ۳ بامداد
جهت حمله به پایگاه اصلی
سهریه‌رد در نقطه‌ای
نزدیک آن استقرار یافتند و
تحرکات دشمن در این پایگاه را زیر
نظر گرفتند.

ساعت ۷ بامداد که مزدوران
گسره تأمین جهت عزیمت به اماکن
استقرار خود از پایگاه خان
شده بودند، در نزدیکی محل
تأمین به کمین پیشمرگان فدائی
افتادند و با آتش بی امان
ملاحهای آنان که از هر طرف
بر رویشان می‌بارید مواجه
شدند. در همین زمان یکی از
مزدوران سرگرم که برای
استفاده از موفقیت مناسب جهت
تیراندازی و مقابله با رقتای سا
خور با به سنگر تأمین رسانده بود،
روی یکی از مین های کار گذاشته
شده رفت و با انفجار این مین
مزدوران به کلی قدرت حرکت
انکار عمل و حرکتی را از دست
دادند. همزمان با این عملیات



درگیریهای حزب دمکرات و کومه له

۹

موضع اپورتونیستی راه کارگر

گردیده اند و منقسم به سیاری از دستاوردهای پیروزیهایی که سال می کنند. این درگیریها پیش از همه به زبان طبقه کارگر و منافع و اهداف آن در جنبش کنونی عمل می کنند.

هر دو طرف درگیری یعنی حزب دمکرات و کومه له هر کدام تحلیل خود را از این درگیریها دارند. کومه له با ارزیابی تحلیلی پروتاریا و پیروزی خودی در کردستان به اتخاذ سیاست در قبال این درگیریها پرداخته است و با سیاست های معمول خود در این توده است که نمایندگی پروتاریا را در کردستان است. این «پروتاریا» نیز، تحلیلی هرچه بهتر و بیشتر با تحولات پیروزی خودی را ایجاد می کند. طبیعی است که سیاست کومه له امروزه در حصر و نه در عمل سیاست پروتاریا نمی تواند باشد و در این که کومه له تا چه حد در اینگونه برخورد های خود حق است یا سخن بسیار گفته ایم. اما حزب دمکرات جدا از برخورد های غیر سیاسی، در مقابله تبلیغاتی با کومه له تا کنون تلاش نموده است ثابت کند که در جنبش کردستان طبقه کارگری وجود ندارد. با این منطق هم جلو رفته و میهن نموده است اثبات نماید که بناچار کومه له قسم نماینده طبقه کارگر نیست در میان کاری که به نحو دیگری افکار گردان دست یازیده است. حزب دمکرات بارها اعلام داشته است که حزب کومه له حزب بورژوا ملاکان و دست پرخت رهبران تا اشنا با وضعیت کردستان و یک قارچ موسمی در کردستان است.

ولی واقعیت چیست؟ واقعیت این است که نه کومه له نمایندگی پروتاریا است و نه حزب دمکرات در تحلیل خود از کومه له معنی است. کومه له نمایندگی اقلیت را در کمال خرده پیروزی در کردستان است و برخلاف تصور حزب دمکرات یک قارچ موسمی نبوده و نیست بلکه نماینده یک نیروی اجتماعی معینی در کردستان است که اهدافش معینی را در جنبش کنونی دنبال می کند. همانطور که حزب دمکرات نمایندگی اقلیت طبقات معینی است و منافعی بخش هایی از خرده پیروزی مرحله و پیروزی عقب مانده ملیت کرد را نمایندگی می کند و این

ما در این شماره و نگاه کردیم سعی می کنیم نگاهی به نقطه نظرات و موضعگیری امروز راه کارگر در کردستان بیندازیم. تا پیشروی هر نقش و جایگاه این نیروی پر مدعا ولی بی اراده و قاصد به نصب بیندازیم تا روشن شود که راه کارگر در کردستان چه اهدافی را دنبال می کند و چگونه و از چه طریق؟

درگیریهای حزب دمکرات و کومه له بدون نزدیک اداسه سیاست های معینی در جنبش انقلابی خلق کرد هستند که مهر و نشان طبقاتی معینی یا هر پیشانی خود دارند. اما آنچه که به تشدید این درگیریها انجامیده است، قتل از همه بدست دیدگاه های محدود و کوتاه نظرانه در برخورد با همه اهداف و آمال جنبش کنونی در کردستان است. ارزیابی طبقاتی کنونی جنبش هنوز به طور اساسی در هم فرو نرفته است و این جدیدی از نیروها که بتواند آنگونیم درونی جنبش کنونی را تشدید نماید هنوز شکل قطعی به خود نرفته است. از همین رو نیز روشن و مسلم است که در مرحله کنونی جنبش چنین درگیریهای اجتناب پذیر بوده و هست و خواست قطع فوری آنها دقیقه از این جنبه مطرح است که تداوم آنها نه راهگشای سر آتی جنبش کنونی بلکه کاملاً در نقطه مقابل رشد کنونی این جنبش چه در تقابل با رژیم جمهوری اسلامی و چه در رشد درونی و تفکیک طبقاتی درونی آن است. بنا بر این از این نقطه نظر نیز قتل از همه علت اساسی شعله ور شدن این درگیریها را در روند روبه بدست سیاست های گذشته این نیروها باید جستجو کرد و به عنوان یک عامل بازدارنده در مرحله کنونی باید به آنها ترفیع که عملاً بر روند کنونی جنبش تحمل

چرا از مذاکره پسرای گردن تبارن به راه مسالمت آمیز حل اختلافات قیامین در شرایط کنونی روگردان است و پیشاپیش، حکم محکومیت اصول دمکراتیک ناظر بر مناسبات قیامین نیروها را در پیش شرط های خود صادر می کند؟ امری بوده است که در طول هشت ماه گذشته بسیاری از نیروها با مواضع بینابینی و سیاست به نسل زمینخشان از برخورد مشخص به آن طفره رفته اند. بسیاری از آنها هنوز پس از گذشت هشت ماه یکبار هم شده قاطعانه مشخص نکرده اند که بالاخره مسئولیت این درگیریها و اداسه آنها به عهده کس است چرا باید در با کدام سیاست می توان از تداوم آنها جلوگیری کرد.

اما جالب ترین و در عین حال منفصل ترین موضع را در این میان راه کارگر داشته و دارد، که به تدریج نمودن این موضوع اپورتونیستی خود نیز دست یازیده است. راه کارگر که همیشه و در تمام طول حیات خود عاجز از درک واقعیات مبارزه طبقاتی و عملاً حاشیه نشین جنبش بوده و تنها وظیفه تشویر این یا آن واقعیت را به لیبرالی ترین شکل ممکن در برابر خود نهاده است، در طول شش ماه گذشته نیز با چهره همگسی خود در موضع حساب کنونی در حیات جنبش انقلابی خلق کرد، ظاهر گشته و ماهیت واقعی خود را هرچه بیشتر آشکار ساخته است.

راه کارگر چه در عرصه موضعگیریهای سیاسی پیرامون درگیریهای کنونی و چه در تحلیلی که پیرامون برخورد خود به مسئله ملی و به اصطلاح توضیح اصول راهنمای حرکت خود در کردستان میدهد آنچنان بی پوزیبی و درک اپورتونیستی و منسوی از مسائل ارائه کرده است، و چندان پیش تاخته است که دست همه اصول خود را از پشت بستفاست.

درگیریهای حزب دمکرات و...

واقعیت را در تمامی موضوعات، سیاستها و اقدامات ملی خود آشکار می سازد. همانقدر که حزب سازی کومه له و تحلیل های آن از وضعیت کردستان بی انگیزه درک معین طبقاتی آن است که اختلافهای حزب دمکرات و برنامه و عملکرد آن. بنا براین تضاد متضاد بین این دو نیرو و نحوه برخورد هر دو نیرو به مسائل مختلف نیز از این نقطه نظر قابل درک بوده و هست. اما در این میان راه کارگر تحلیل غریبی از نه تنها وضعیت نیروها بلکه کلاً جنبش کنونی در کردستان دارد. راه کارگر این جنبش را فاقد هویت طبقاتی و اساساً یک جنبش تمام مبارز و بی جهت ملی می داند و اصرار عجیبی دارد که هرگز نگذارد جنبه ملی مبارزه کنونی در کردستان تحت الشعاع مبارزه طبقاتی قرار گرفته، یا جنبه طبقاتی متغیرها، بر جنبه ملی مبارزه کنونی تحمیل گردد. ولی پس از خلاصی تصور راه کارگر، روشن است که اگر چه جنبش انقلابی دمکراتیک کنونی در کردستان در همین اینکه یک جنبش ملی است در واقعیت امر قبل از همه مانند هر جنبش ملی دیگری، جنبشی برای تغییر اساسی در وضعیت کنونی یعنی اساساً یک جنبش طبقاتی است و تنها به تأکید و تکیه بر جنبه واقعی نیز نمی تواند تعمیق یافته و به اهداف پیروزمند خود دست یابد. و اگر ساله جنبش انقلابی در کردستان تنها به استمرار مساله ملی محدود شود طبیعتاً سرنوشت روشنی در انتظار آن نخواهد بود. آیا تنها با دست یافتن به یک سری حقوق بورژوازی بدون در هم ریختن نظامات بومی و کنونی و بدون اعمال اراده انقلابی توده های زحمتکش خلق کرد بر سرنوشت سیاسی - اقتصادی و اجتماعی خویش، جنبش کنونی می تواند آمل و اهداف مبارزه کنونی را برآورده نماید. هر نیروی که امروز چنین تصویری از آینده

جنبش داشته باشد، هیچ درکی از اهداف و آینده این جنبش ندارد. طبیعتاً است که در جنبش آینده ای جایی برای خود ننهند و اصولاً از هرگونه تغییری در شرایط کنونی به سوی تحولات اساسی وحشت داشته باشند، نه تنها مثل راه کارگر عامل فساد تغییر نبوده و نباشد، بلکه به سد راه هرگونه تحولی نیز تبدیل گردد. چنین نیروهایی به دلیل عقب ماندگی سیاسی و فکری و همبستگی و سرزمین خود عاجز از درک گره گاههای اساسی جنبش در مقاطع معینی از رشد آن هستند و با کج روی لاعلاج خود طبیعتاً نقش منفی را در سینه تحولات ایفا نموده همیشه میل به بازگشت به گذشته و در بهترین حالت حفظ وضعیت کنونی و نه صعود به قله آینده را در پیش روی خود قرار می دهند.

امروز دیگر پیش از همیشه آشکار شده است که جنبش انقلابی خلق کرد یکی از حساس ترین مقاطع دوران حیات چندین ساله اخیر خود را پشت پیروزی گذارد و درگیریهای کنونی حزب دمکرات و کومه له به گره گاه اساسی در چگونگی سمت گیری آینده آن تبدیل شده است. و لازمه برخورد اصولی با این درگیریهایی که جنبش درک مشخص و صریح از برخورد جنبش کنونی و اهداف پیروزمند آن است. طبیعتاً است که بدون وجود چنین درک روشن و علمی برخورد به این درگیریهایی نیز در عمل با در هوا و در بهشت بین حالت خشنی خواهد بود چرا که همین درگیریهایی حزب دمکرات و کومه له نیز از عکس و زمینه های معینی در گذشته این جنبش برخوردار هستند که غیر طریقی برخورد اصولی با آنها منتهی شلخت رفتی میسر و عملی چنین زمینه هایی و موضع گیری بر بنیان چنین شلخت عینی نبوده و هست. آنچه که مسلم است در شرایط کنونی قبل از همه و جدا از برخوردها و سیاست های طرفین درگیر، این درگیریهایی معصوم بر تامل و عدم درک وجود نقاط اشتراك قابل اتکاء برای طرفین در مبارزه جاری هستند.

اگر در گذشته بدون وجود این چنین نقاط اشتراك و اصولی که بتواند مناسبات مشترک و مسالمت آمیز فیما بین نیروها را تضمین نماید و چنین مناسباتی

به طور خود بخودی و به وجود درگیریهایی مقطعی و هر از چند گاهی، امکان پذیر نبوده در شرایط حادث کنونی مسلماً بدون وجود چنین اصولی و التزام آگاهانه و عملی نیروها به رعایت آنها در مناسبات فیما بین نمی تواند درگیریهایی کنونی پایان گیرد. این امر ریشه در گذشته این جنبش دارد امروز این گذشته است که در فقدان یک برخورد اصولی با اهداف پیروزمند جنبش، به این صورت خود را بر همگان تحمیل کرده است و به حال حالگذاشته و چه بسا در صورت برخورد غیر اصولی با آن در آینده نیز خود را تحمل نماید. اگر کسی تا به امروز بر اهمیت برخورد به این واقعیت بی تیرد است، حداقل امروز که دیگر تمامی تاثیرات چنین برخورد کسوری با الزامات ملی جنبش هر چه بیشتر آشکار گشته است، این همه صاف و مشکلات درونی جنبش کنونی می باید خواب خرگوشی را از سر او پرانند و باشد، در غیر این صورت چاره انتظاری می توان از چنین نیروی داشت.

راه کارگر در شش ماه گذشته، از جمله نیروهایی بوده است که همیشه به دنبال حوادث روانه گشته است. و در حیرت و بهت از وضعیت ناشی از تصادف درگیریهایی حزب دمکرات و کومه له هر روز به نوعی به وضوح گری برداشته و در صورت روزهایی از دست رفته، به هر شیوه ممکن تلاش نموده است، مناسب با تحلیل خود از وضعیت جنبش انقلابی خلق کرد راهی به سوی بازگشت به گذشته بپوشد ولی هیچگاه به خود زحمت آن را نداده است که از بحبوحه مسائل پیچیده کنونی به یک گام فراتر رفته، راه حل روشنی برای مناسبات آینده که مسلماً نفی دیالکتیکی مناسبات گذشته و امروز نیروهای سیاسی در کردستان است ارائه نماید. و حتی خود گامی در این جهت بردارد. چرا که راه کارگر فاقد آن درک طبقاتی معین برای هدایت آگاهانه حوادث و قلبه بر آنهاست، طبق معمول تمامی طول حیات این جریان، این بار نیز همچون همیشه این حوادث بوده و هستند که بر راه کارگر پیشی گرفته اند.

درگیریهای حزب دمکرات...

فلاش برای تبدیل حزب ملی به حزب خاص طبقه معینی، آنرا دچار تزلزلات شدید نموده و باعث انشقاق و انشعاب گسترده در آن خواهد شد. (همانجا: صفحه ۱۱)

پس سیمان مورد نظر راه کارگر تجسم مادی معینی دارد بنام حزب دمکرات که جبهه‌ای از طبقات مختلف در کردستان است. عجیب‌تر اینکه در این جبهه وپسا حزب هوسونی این بان طبقه، چنین به اصطلاح حزبی را بنمایند، خاص هیچ طبقاتی تبدیل نمیشد. آیا راه کارگر با چنین ارناباسی داهیه‌ای در مرد نیست همه شکل‌های موجود در کردستان را در داخل حزب دمکرات بخل نموده و از آنها بخواهد که به سیاست‌های حزب ملی و غیر طبقاتی یا درست‌تر بگوئیم ملک تمامی ابداعات فرا طبقاتی مورد نظر راه کارگر، تکیه نکنند. و چرا قبل از همه خود دست به چنین کاری نمی‌زنند تا آئینه عیوبی برای دیگر گردنشان در مقابل این سیمان منجمد ملی بشود.

شکی نیست که ساله ستم ملی به عنوان یک عامل بازدارنده در زمینه جلوگیری از تکوین طبقاتی جامعه ملک تحت ستم باید در هم شکسته شود و طبقه کارگر نیز تنها از این جنبه و نه چیز دیگری در امر ملی زیغ است که رفع چنین ستمی زمینه تسخیر و شکوفائی مبارزه طبقاتی را باز کرده، عرصه جدیدی برای اتحاد طبقاتی پرولتاریا به وجود می‌آورد. ولی این امر به مفهوم تقدم اکونومیستی مبارزه ملی بر مبارزه طبقاتی به همان سبک و سبائی که راه کارگر قصد داشته آن در جنبش کردستان را دارد، نیست. برای کونیست‌ها هیچ چیزی بسم بر مبارزه طبقاتی برای استقرار قطعی سوسیالیسم نیست.

باید هنر آن را داشت که مبارزه در راه دمکراسی (که

راه کارگر برای تعبیر خوابهای طلای درون از دست رفته صلح و صفای گذشته که کاملاً خود بخودی و ناشی از شرایط خود بوده و بدون برنامه معینی بوده امروز دست به تئوریزه کردن آن نیز زده و در این زمینه نیز طبق معمول دست به ابداعات مشعشعانه‌ای زده است. راه کارگر تا زگیها برای آنکه بر مواضع اپوزیونیستی خود، محمل تئوریک بپراشد، سترگر هرگونه مبارزه طبقاتی در درون جنبشی - های ملی شده، می‌گوید.

نباید به بهانه بسط مبارزه طبقاتی ساله ملی را تحت الشعاع قرار داد و در جهت تضعیف آن کونیست (ریکای گریکار شماره ۲۰ صفحه ۱۱)

و یا در جای دیگر:

ساله ملی همچون سیمانی است که طبقات مختلف خلقی را به هم پیوند می‌زند. (همانجا: صفحه ۱۸)

بنا بر این به زعم راه کارگر نباید آن سیمان در هم شکسته شود، باید از طبقات مختلف خواست کسیه همچون جسمه برتری در داخل این سیمان یافت نموده و در مرد شکستن محدوده این سیمان و دنبال کردن اهداف مشخص طبقاتی خود بر نیایند. شخص چنین فنی هم خوب راه کارگر است که با یک طرفه العینی قادی است پای همه طبقات را در سیمان مورد نظر خود گیر انداخته و به دست و پا کردن یک موجود فرا طبقاتی نیز دست بزنند که در تحلیل ماهیت حزب دمکرات و عناصر و نیروهای تشکیل دهنده آن به روشنی به این می‌آید می‌پردازد، گوش کنید:

حزب دمکرات به مشابه یک حزب ملی در جنبشی دمکراتیک خلق کرد حضور دارد یک حزب ملی بهمان گونه که هر ملتی از طبقات مختلف تشکیل شده در برگیرنده گرایشات طبقاتی مختلفی است که برای حل ساله ملی به عنوان ساله مورد توافق طبقات مختلف، یک ملت به فعالیت می‌پردازد. هوسونی گرایشات طبقاتی مختلف از پرولتاریا تا بورژوازی حزب ملی را به حزب یک طبقه خاص تبدیل نمی‌کند. البته روشن است که

ساله ملی نیز جزئی از آن است و مبارزه در راه انقلاب سوسیالیستی را باید یکسر در انبخت و ضمن آن اولی را تا بهم دومی کرد و همه

دشواری کار در همین و چسان کلام در همین است. (لنن نامه به اینستاگرامند تاکید از سمان)

کونیست‌ها بر خلاف راه کارگر صداف تقدم مبارزه در راه دمکراسی بر جنبه طبقاتی این مبارزه نیستند، بلکه بر عکس نقطه عزیمت کونیست‌ها دقیقاً تاکید بر جنبه طبقاتی هر مبارزه‌ای است. درک انحرافی کیه‌له از این وظیفه و تحلیل اکونومیستی و غیر مارکسیستی آن از مناسبات طبقاتی در کردستان، راه کارگر را به سقوط در منجلاب نفی هرگونه وظیفه سازماندهی طبقاتی در جنبش ملی کشانیده است. بی جهت نیست که راه کارگر اصرار عجیبی دارد که نباید به بهانه بسط مبارزه طبقاتی ساله ملی را تحت الشعاع امر طبقاتی قرار داد. این موضوع نه تنها مارکسیستی نیست بلکه موضوعی کاملاً بورژوازی و ضد مارکسیستی نیز هست.

استیاء بنیادی عینی خواهد بود، اگر تصور شود که مبارزه در راه دمکراسی می‌تواند پرولتاریا را از انقلاب سوسیالیستی باز دارد یا این انقلاب را تحت الشعاع قرار دهد و پوره بر روی آن بکشد.

(لنن: انقلاب سوسیالیستی و حق تعیین سرنوشت ملک)

در واقع امر نیز راه کارگر امروز دیگر کاری با سازماندهی طبقاتی پرولتاریا برای انقلاب سوسیالیستی ندارد و دیسوار چنینی بین مبارزه برای دمکراسی و مبارزه برای استقرار سوسیالیسم کشیده است و نه تنها دومی را تحت الشعاع و کاملاً تابع اولی ساخته است، بلکه در عرصه مبارزه کنونی در کردستان عملاً نیز به مدافع نفی طبقات و ملیست سرچ می‌چون و جاری سیاست دنباله روی از سیاستها و جریانهای بورژوازی شده است و بخود در زمینه برخورد با درگیریهای حزب دمکرات و کیه‌له عملاً در این مسیر گام‌های بلندی نیز برداشته است.

درگیربهای حزب دمکرات...

وقتی راه کارگر از هرگونه مقدم داشتن مبارزه طبقاتی بر مبارزه ملی هراس دارد، طرح چنین مسائلی را وسیله ای برای تضعیف امر ملی می داند، طبیعی است که برای تئوریک متعصبانه خود در زمینه تحلیل از جنبش های ملی نیز باید مصداق عینی پیدا کند و یا شاید بسیاری مصداق عینی خود مجبور است که ترهات من در آوردی خود را به عنوان تحلیل بخورد خلق الله بدهد و در عین حال اسلام دارد که:

ما نه تنها با صف مستقل طبقه کارگر و مبارزه طبقاتی مخالف نیستیم، بلکه با تمام قوا در جهت ایجاد صف مستقل پیروان را و پیشبرد مبارزه طبقاتی در راستای منافع طبقه کارگر تلاش می کنیم... (همانجا صفحه ۱۰)

اما:

وجه طبقاتی مبارزه در کردستان را نمی توان و نباید مصنوعاً بر وجه ملی آن غلبه داد.

(همانجا صفحه ۴)

مسأله ملی در کردستان بر جنگ طبقاتی مقدم می باشد باید بر اساس آنچه که در واقعیت و عمل مقدم است شروع کنیم... و این شروع بدان معنا نیست که وجه طبقاتی مبارزه در کردستان باید به فراموشی سپرده شود اما مسائل اجتماعی

در تناسب با جنبش امکان پیشروی دارد و در چنین شرایطی معیار سنجش ما در پیشرفت وجه طبقاتی باید تقدم وجه ملی باشد.

(همانجا صفحه ۴)

خوب برای هرکسی که از سابقه کار راه کارگر اطلاع داشته باشد بسیار روشن است که راه کارگر یک طمولایی در بهم بافتن آسمان و ریمان دارد. افعاهای دور و

دراز او در زمینه سازماندهی هرگونه طبقه کارگر از طریق متحد کردن ایران حتی به قیمت دست نشستن از سازماندهی طبقه کارگر و گردآوری صاحبان قلم و قدم بر جبهه متحد کارگری خود و با هدف پر کردن حفره تاریک ولایت فقیه یکسری از شاهکارهای این موجود متذبذب و عقب مانده و لاف مزگوته برنسیب تئوریک بوده و هست...

بنا بر این امروز نیز برای چنین کسانی نباید مسأله خاصی در مورد ادعای راه کارگر مبنی بر تلاش راه کارگر آنها با تمام قوا در جهت ایجاد صف مستقل و پیشبرد مبارزه طبقاتی از طریق حفظ سیما منجمد ملی و عدم تحمیل موضوعی هر گونه وجه طبقاتی مبارزه در کردستان به این سیما و ایجاد شکاف در آن، وجود داشته باشد از همین رو وجه اول صحبت های راه کارگر تا آنجا که به افعاهای دور و دراز او مربوط می شود، امروز دیگر عملاً بیشتر به یک شوخی شبیه است تا حتی یک حریف جدی از صف نیروی مشکل راه کارگر. مسأله اصلی در مورد راه کارگر این است که راه کارگر به هیچ وجه حاضر نیست از آنچه که در عمل و واقعیت وجود دارد پیشتر رود. هر چند این عمل و واقعیت را شروع هم فرض کند و پشت سر این شروع اعلام دارد که به هیچ وجه قصد به فراموشی سپردن وجه طبقاتی مبارزه در کردستان را ندارد ولی اینجا هم راه کارگر را نباید در تنگنا گذاشت. از حق نباید گذشت اما می معروف شد برینى خود راه کارگر نیز به تکتش من شتابد و به خط راه کارگر فیصله می دهد و قصد به فراموشی سپردن وجه طبقاتی را در عمل به ضد خود مبدل می کند:

اما مسائل اجتماعی در تناسب با جنبش امکان پیشروی دارد.

(همانجا صفحه ۴)

عجب! پس این ظرفیت جنبش است که گویا کشف مسائل حاد اجتماعی را ندارد و باید سیما را همچنان حفظ کرد نه تنها به عنوان یک سریش و یک سد در مقابل رشد و شکوفایی مبارزه طبقاتی (به عنوان یک محصول اجتناب ناپذیر حاکمیت ارتجاعی بوروکراتیک بورژوازی

ستکبر) نباید دست به ترکیب آن زد، بلکه حتی به عنوان عامل خیر و برکت اتحاد طبقاتی و تجسیم شعار همه با هم باید به مشاطگری اثر نیز پرداخت. بنا بر این چون به زعم راه کارگر این تناسب برقرار نیست پس باید تقدم در پیشرفت وجه ملی (امیدواریم خواننده برای یک لحظه هم شده راه کارگر را جسدی بگیرد) با وجه ملی باشد.

اما راه کارگر در این زمینه توضیحات مفصل تری دارد او در باره وظیفه کمونیست ها در کردستان می گوید:

اما کمونیست ها که همواره با توجه به الزامات موجود در جامعه برای رسیدن به اهداف خویش مبارزات ممکن و موجود را در جهت و هائی جامعه از قید ستم طبقاتی و ملی رها نموده می شوند باید تلاش نمایند صف مستقل طبقه کارگر را بر ستر مبارزات ملی توده های اهالی کرد ایجاد نمایند...

(همانجا صفحه ۹ تا ۱۰)

هر وقت راه کارگر خواسته است از وظایف کمونیست ها در مورد هر مسأله ای صحبت کند، این ستر مبارزات ممکن و موجود مرحوم استروو پیشگام آن نو میتهای روسیه و یا به تعبیر بهتر لیبرال های مدعی مارکسیسم را در ذهن هر شنونده و خواننده ای حباب کرده است. کمونیست های (پیشیند لیبرال های مشکل راه کارگر) که وظیفه مقدم خود را بر یک جنبش انقلابی و دمکراتیک اساساً وجه ملی می دانند و با سازماندهی این مبارزات ممکن و موجود مملوم نیست چگونه می خواهند صف مستقل طبقه کارگر را سازماندهی کنند، شاید از طریق استارگی و صوری در تحمل سیما منجمد و مقدمین ملی یا شاید هم از درون تجسم این سیما منجمد در روح زنده ملی؟ ولی این صحبت راه کارگر در مورد سازماندهی هرگونه را هم نباید زیاده جدی گرفت. چون چند سطر بعد خود راه کارگر هم از خیر این شوخی گذشته و عملاً آب پاکی به روی دست تعامی مدعیان می ریزد منظور راه کارگر چهیدن به همان مبارزات ممکن و موجود آسای استروو لیبرال بوده است. برای آنکه دیگر جای هیچ شک

و شبهه ای بساطی نمائند میدان را به خود راه کارگر بدیم تا با تحلیل طبقاتی خود از وضعیت طبقه کارگر در کردستان پاسخ صریح را بدهد.

به دلیل عدم وجود سابقه مبارزاتی طولانی طبقه کارگر کردستان خود به تنهایی (نه به لحاظ ماهوی) بلکه به لحاظ عینی دارای توانایی های لازم برای تامین همونی خویش و پیشبرد امور ستکوری سوسیالیستی نخواهد بود... به ویژه در منطقه ای باید به وظایف خویش عمل نماید که اکثریت اهالی آنرا زحمتکشان و نیمه پرولترها تشکیل می دهند و برای این اکثریت قبل از هر چیز مساله ملی مطرح است.

(همانجا صفحه ۱۶۲)

پس رمز چسبیدن به مبارزات ممکن و موجود در این تحلیل منشویکی از تحولات عینی و وضعیت طبقاتی در کردستان نهفته است. کارگران چون به لحاظ عینی البته نه به لحاظ ماهوی حتماً به لحاظ کسی، فاقست توانایی لازم برای اعمال همونی خود بر جنبش هستند و اکثریت اهالی را زحمتکشان تشکیل می دهند و برای این اکثریت نیز قبل از همه مساله ملی مطرح است، پس پیشروانی مثل راه کارگر هم باید دست در جیب گذاشته به مبارزه ممکن و موجود این اکثریت گردن نهاده، منادی آشتی طبقات در میان منجمد شوند. حقیقتاً راه کارگر با این نوع وحشتناک تنها نه بر سر جنبش که بر سر خود کلاه گذاشته و صد ندارد. ادعای همونی طبقه کارگر، سازماندهی مبارزه طبقاتی و هزار چیز دیگر را دارد ولی مدافع سرسخت وجه ملی

و نه طبقاتی در جنبش انقلابی خلق کرد است. این موضوع نه موضع طبقه کارگر بلکه طبقه معینی است که منافعش توقف در قید و بند همین سیما را طلب می کند. کمونیستها برخلاف راه کارگر مدافع انجماد در اعماق مساله مهم راه کارگر نیستند، بلکه امر سازماندهی مبارزه طبقاتی برای نه تنها در هم شکنن عامل اصلی ستکوری ملی، بلکه تبعات چنین ستکوری قبل از همه و برای ارتقاء مبارزه

درگیریهای حزب دمکرات و...

کنونی به سطح مبارزه سوسیالیستی هستند. و از همین امروز نیز تلفیق بین وظایف امروز و آتی خود را در مد نظر دارند و دیوار چینی بین آنها کشیده اند. پای کمونیست ها نه تنها در هیچ سیما محبوب و ملی راه کارگر فرو نمی رود بلکه هدف اساسی کمونیست ها در درون آن سیما اگر هم گیر کرده باشند در هم شکنن آن سیما، حتی جویدن آن است و نه حفظ و ابقای آن.

ولی راه کارگر پیروده طبقه کارگر را محکوم به پای بندگی به این سیما مقدس نمی دانند. او پیروده تحلیل های حسرت دمکرات از وضعیت طبقه کارگر در کردستان را تکرار نمی کند و در عین حال پیروده نه از سازماندهی همونی و غیره سخن نمی گوید، او ضمن آنکه با تحلیل وضعیت کمی طبقه کارگر و نتیجه گیری درجا زدن در حریم مساله ملی را تشویق می کند راه این سازماندهی همونی صورت نظر خود را نیز البته پیش پای طبقه کارگر می گذارد. راه کارگر ضمن آنکه عالمانه ضعف های کارگران کردستان را بر می شمارد و بزرگوارانه به آنها گوشزد می نماید که شما باید به خواست "اکثریت اهالی"

یعنی "قبل از هر چیز مساله ملی" سرافورد آورید و از طرح خواست های خود بپرهیزید راهی را نیز برای آنها بهار می نماید. گوش کنید.

در چنین شرایطی طبقه کارگر می تواند یا بهره گیری از امکانات طبقه کارگر سایر مناطق و استفاده از تجارب تاریخی آنها وظایف خویش را پیش ببرد. (همانجا صفحه ۲۰)

واقعاً بزرگ منشی هم حدی دارد. ولی راه کارگر ما در این زمینه دست همه را از پشت بسته است. او نخست کارگران کردستان را از طبقه کارگر سراسر ایران جدا می کند و آنها را دعوت به

صرف سر آوردن در برابر خواست "اکثریت اهالی" یعنی "زحمتکشان و نیمه پرولترها" نه ارتقاء خواست آنها و سازماندهی آنها می کند و سپس خود این کارگران را نیز به آموزش از تجارب و بهره گیری از امکانات طبقه کارگر سایر مناطق دعوت می نماید. و بدین وسیله دیدگاه رفومستی و منشویکی خود را هرچه بیشتر آشکار ساخته به نفسی ضرورت اعمال همونی طبقه کارگر بر جنبش دمکراتیک صحنه می گذارد. ولی راه کارگر غافل از آن است که برخلاف خود راه کارگر، امروز دیگر همیمن اکثریت اهالی خیلی پیشرفته تر از خود راه کارگر فکر می کنند و شش سال مبارزه خونین و حاد در کردستان آموزش ها و تجارب گرانقدری را بر جای گذاشته است که جریان منفری و بی بنسلی مثل راه کارگر قادر به درک آن نبوده و نیست. طبقه کارگر و عوام توده های زحمتکش در کردستان امروز دیگر در عرصه عمل به انچنان رشدی دست یافته اند که بدانند مساله آنها تنها برداشتن سرودش و حباب مستی ملی و در عمل ضابطات ارتجاعی کنونی تحت هر عنوان و شکلی نمی تواند باشد مساله توده های کارگر و زحمتکش خلق کرد با دست یافتن به حقوق بورژوازی نمی تواند حل گردد. امروز دیگر مساله اساسی در کردستان حل اساسی معضلات اجتماعی اقتصادی ناشی از تسدایم وضعیت کنونی است. و برخلاف تصور راه کارگر طبقه کارگر کردستان علیرغم تمام بی ضعف هایی که راه کارگر برای بی اراده کردن آن پرتهم کرده است نه تنها به لحاظ طبقاتی و تاریخی بلکه از نظر علمی نیز باید قدرت و صلاحیت آن را داشته باشد که مهر خود را بر پیشانی هرگونه تحولی در آینده بکوبد. و برخلاف تصور راه کارگر امروز دیگر هیچ نیروی طبقاتی دیگری به جز طبقه کارگر قادر به انجام تحولات انقلابی و دمکراتیک و تحقق آسما و اهداف جنبش انقلابی کارگران و زحمتکشان کردستان نیست برای درک این مساله حداقل راه کارگر اگر به وضعیت مشابه جنبش کنونی در سایر کشورها حتی نظریه غنیمت دید ارتجاعی خود در برخورد به امر خلق صلاح طبقه کارگر در کردستان را نخواهد یافت.

درگیریهای حزب دسکرات و...

با چنین برخوردی به مسأله مبارزه طبقاتی در جنبش انقلابی خلق کسر نیز هست که راه کارگر به ارزیابی از وضعیت نیروها و برنامه و سیاست آنها نیستند و عملاً خود را در میان مورد نظر خود محصل می‌نمایند و به موضوعگیری در قبال درگیریهای کثونی می‌پردازند. از چنین موضوعی بسیار طبیعی است که راه کارگر در قبال وضعیت کثونی و چشم اندازهای آنی آن فاقد هرگونه برنامه و سیاست باشد و به تکرار کلیات کمال کشنده و مبطی بپردازد که تنها برای دلخوشی روشنفکران فاشیست پرتسبب و لیبرال منشر بر روی گافند نقش بسته اند نه جهت ایجاد اراده و ناشی در جنبش بلکه برای تأییدی بر آنچه که ممکن و موجود است و امروز نیز قبل از همه در جنبش انقلابی خلقی کسر عملکرد دارد.

برای راه کارگر مسأله ملی مقدم بر همه چیز و حزب ملی و میان ملی نقطه اتکاء و پایه امید بوده و هست و تصور خلق در این همه چیز و نقطه اتکاء و پایه امید که این درگیریها به آن دامن زده اند غیر قابل درک و تعجب است. گویا به تصور راه کارگر این درگیریها نه نتیجه روند سیاست های معین در حرم جنبش انقلابی خلق کرد، بلکه نتیجه خباثت و سوء نیت این یا آن نیرو و درهم ریزی صفوف انقلاب و ضد انقلاب اتوی فلان نیرو است. ولی آیا آنچه می باید از این درهم ریزی جلوگیری می نمود چه بوده و چرا به وجود نیامده است؟ امروز نمی باید حداقل آنچه را که تا کنون نشده است به فرجام رسانده، نقطه پایانی بر مناقشات کور فیابین نیروها گذاشت و مناسب با مضمون جنبش کثونی، در جهت هدایت آگاهانه و هدفمند ایمن

منااسبات حرکت نمود؟ و ایمن درهم ریزی ها را که نه تنها کومه له، بلکه به شدیدترین و غیر سیاسی ترین وجه حزب دسکرات امروز به آن دست یازیده است از میان برداشت؟ رمز سقوط راه کارگر به موضوع ایورتونیمستی در قبال درگیریهای کثونی دقیقاً در ناتوانی و جبن او در پاسخ به این سوال و توقف ایستی راه کارگر در داخل میان مسجد مسأله مقدم ملی مورد نظر و سقوط در منجلاطهارزات مکن و موجود خود است که یک موضع کاملاً عقب مانده و ناشی از درک غامیانه و دنباله روی از ذهنیت توده های عامی است و هیچ مقایسه ای با یک موضع پیشواز و آگاه و پرخور فعال با مسأله ملی ندارد. اگر در جنبش دیروز مسأله وحدت حول خواست خود بخودی ملی مطرح بود، امروز و در این مرحله از رشد جنبش انقلابی خلق کرد مدنیت است که دیگر این امر بخودی خود کافی نبوده و نیست. جنبش انقلابی کارگران و زحمتکشان در کردستان ضدها گام جلوتر رفته است و خواست توده های زحمتکش خلق کرد سیای مشخص برنامه ای و طبقاتی یافته است و اهداف مرحله ای آن هرچه روشنی تر گشته است و هر کسی که مدعی مبارزه برای رفع ستم ملی باشد، اگر روشن نکند که با چه برنامه مشخصی و چگونه و از چه طریقی می خواهد امروز در کردستان چنین مهمی را به انجام رساند، کوچکترین موفقیتی نیز بدست نخواهد آورد. مطرح رشد و آگاهی توده های خلق کرد بسیار فراتر از آن است که امثال راه کارگر و دیگر مجسمه های برتنزی پای در میان همالکسی او تصور می کنند. و اگر تا کنون چنین درک هائمی از مسأله در میان بخش وسیعی از نیروهای موجود در کردستان عامل مدود کننده اینجانبان انجام با برنامه و آگاهانه در درون جنبش بوده اند، امروز که چنین دریافت هایی محصل خود را بیار آورده است، مسلماً بدون برخورد مشخص و با برنامه صاف بندی های تعمیلی جدیدی

خواهد گشت و این بار نیز خارج از اراده جریانهای مثل راه کارگر این امر خود بخودی مثل صلیقه بر سر آنها فسرود خواهد آمد و این پیوستن خود بخودی اما ناگزیر بایست گفت اراده خود را بر کسانی که مناقط طبقاتی شان اجازه درک ضروریات عینی و عملی جنبش را به آنها نمی دهد، در شکل دیگری به آنها تحمیل خواهد نمود هر چند از این رهگذر جنبش انقلابی خلق کرد تحمیل بسیاری زبان های به مراتب پیشتری نیز بشود. تلاش هر نیروی مسلماً بایست در کنترل این روندی که خود بخودی به اینجا کشیده شده است، باشد نه تشدید آن و به دامن زدن به آن.

تشت امروز محصل بی برنامه ای دیروز برای ایجاد زمینه های اصلی اتحاد و دلخوش کردن به اختلاف کافندی و مضایر با مضمون اساسی جنبش انقلابی و دسکراتیک توده های زحمتکش خلق کرد است. به همانگونه که راه فائق آمدن بر این تشت نیز برخورد مسئولانه و با برنامه و متناظر با مضمون رویه رشد و عمقا انقلابی و دسکراتیک جنبش کثونی است. برخوردی که دیگر امروز به امری ناگزیر در مواجهه با معضلات کثونی مبدل شده است و هرگونه طفره رفتن از آن و اجتناب از موقعگیری صریح و روشن و عملی و مشخص در شرایط کثونی به همان اندازه ضرر و غیر قابل پذیرش و مضر است که دامن زدن به چنین درگیری ها و تشتتی در جنبش کثونی.

با نگاهی به موضوع گیری های راه کارگر در طول شش ماه گذشته بینیم در این زمینه راه کارگر چه نقشی ایفا کرده است و با چنین درکی از مسائل جنبش انقلابی خلق کرد و محتوی و مضمون آن چه سیاستی را در پیش روی خود قرار داده است و چگونه به صورتی مناسب مسائل جنبش برخورد نموده است. آخرین موضع گذرته (پیشرفته ترین موضع

پیشش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر

درگیریهای حزب دمکرات و...

که بر روی تداوم این درگیریها و خود داری از پذیرش قطع درگیریها با فشاری منتهی است مسئولیت لطافت بیشتری که بر جنبش انقلابی خلق کرد وارد می آید را بعهده خواهد داشت (زمک ۲۲ صفحه ۱۰) (تأکید از مآ)

بر خلاف تصور راه کارگر اینگونه موضوعگیریها در جنبش انقلابی خلق کرد، اگر هرگز هم دیگر ردی از وضعیت درگیریها را دروا نمی کند، باید بگوئیم در بهترین حالت و صورت ترین وجه (که راه کارگر را بدان کاری نیست) به اندازه قدمت خود درگیریها از مرحله پست و عقب افتاده است *

راه کارگر به خوبی آشکار می سازد که موضع واقعی راه کارگر چیست و تا چه اندازه تحلیل منشویکی راه کارگر بر موضع او سایه افکنده است.

حزب (دمکرات) در طی پنج ماهه اخیر قدم در راهی گذاشته است که کومه له از ابتدا در آن راه می پیروز و با تن دادن به قطع درگیریها و اعلام آتش بس در عملاً به دنبال روی سیاست های جنگ افروزانه کومه له تبدیل شده و در شرایطی که کومه له ... خواست بر حق مردم کردستان یعنی قطع درگیریها را پذیرا است، حزب دمکرات با فشاری بر روی ادامه درگیری به عامل اصلی ادامه دهنده جنگ داخلی تبدیل شده است. (ریکهای کریکار ۲۲ خرداد ماه صفحه ۱) یا بعد از شش ماه اخیر روز زبان آمده است که: حزب دمکرات به همان نسبت

راه کارگر در آخرین و خجسته ترین برخورد و موضع خود تازه به این نتیجه دایمان دست یافته است که حزب دمکرات عامل اصلی ادامه دهنده درگیریهای کنونی است. با یک تبصره: اپورتونیستی و جبهه گاهانه که البته سو تفاهم نشود در این زمینه. حزب دمکرات ... هم در راهی گذاشته است که کومه له از ابتدا در آن راه می پیروز. همان کومه له ای که به هر دلیلی به اعتراف خود حضرات خواست برحق مردم کردستان یعنی قطع درگیریها را پذیرا است ولی حزب دمکرات با فشاری بر روی ادامه درگیریها، علاوه بر آنکه به عامل اصلی ادامه دهنده جنگ داخلی تبدیل شده است در عین حال قدم در راهی گذاشته است که کومه له از ابتدا در آن راه می پیروز و بدتر اینکه به دنبال سیاست های جنگ افروزانه کومه له تبدیل شده و به نام راه کارگر از این پس به همان نسبت که بر روی تداوم این درگیریها و خود داری از قطع این فشاری نماید، مسئولیت بعهده خواهد داشت.

برای کسی که صراحت لجه را باید از راه کارگر آموخت، اگر کسی بخواهد آسان و ریمان را بهم ببافد و در عین هیچ نگردد باید از اپورتونیست های درازگو و پی جریزه تازه به دوران رسیده ما بیاموزد.

راه کارگر که امروز معتقد گشته است که حزب دمکرات با خواست مردم و تمامی نیروهای انقلابی ... یعنی با خواست قطع فوری درگیریها، تقابل نموده است، چرا این اعتقاد خود را در پشت الفاظ درهم جوشیده پنهان می کند و چرا بعد از شش ماه به ایمن نتیجه گیری رسیده است. چه چیزی جز واقعیت های تلخی که ادامه این درگیریها که خود راه کارگر نیز در آن به هم خود شریک بوده است، چه چیزی جز نفرت و انزجار تمامی جنبش انقلابی و نیروهای انقلابی از مدافعان سیاست های غیر اصولی و غیر دمکراتیک حزب دمکرات که تنها به کومه له و تقابل با سیاست های انارشینیستی آن و تحمیل درگیریهای نظامی به آن محدود نشده و نمی گذرد، زبان الکن راه کارگر را به چرخش

درست به هم می گزیند است برخورد گروه جریکهای فدائی خلق ایران با مساله خلع سلاح گروهی از مجاهدین از سوی حزب دمکرات. این رفتار نیز مثل راه کارگر و دیگر جریانات موجود در کردستان زمانی که حزب دمکرات با استفاده از جو نامی از درگیری های خود با کومه له دست به انتشار اطلاعیه ای در زمینه ایجاد محدودیت در فعالیت سیاسی و نظامی نیروها در این منطقه زد، کاملاً یکوت کرده و از هرگونه موضوعگیری در قبال این اطلاعیه که هرگونه فعالیت سیاسی در منطقه بانه را، منوط به کسب موافقت و اطلاع حزب دمکرات می نمود خود داری نمودند، و مدتها بعد تازه به یاد اطلاعیه حزب دمکرات افتاده و اعلام داشتند که:

پیش از این حزب دمکرات طی اطلاعیه ای رسمی حرکت نیروهای سیاسی مختلف در منطقه بانه را به دلیل شرایط دشمنان ناشی از درگیری با کومه له، ممنوع به گرفتن نامه رسمی برای حرکت در این منطقه نمود ...

و با مقایسه این اطلاعیه حزب دمکرات با برخورد پیشمرگان حزب با پیشمرگان مجاهد در منطقه پیرانشهر و خلع سلاح آنها از سوی پیشمرگان حزب، به عمق آنچه که از سوی حزب دمکرات و در مواقع آن نسبت به نیروهای سیاسی در شرق تسکین است، اشاره نمودند.

این موضوعگیری، اگر چه گامی به پیش است و اما به نوبه خود از آن استقبال می کنیم، ولی در مقایسه با اقدامات حزب در برخورد به واقعات مبارزه در کردستان که امروز دیگر مشخص اطلاعیه مربوط به آند به سیاست اصلی اعلام شده حزب دمکرات تبدیل شده است بسیار دور است. هیچ نیروی انقلابی حق ندارد دفاع از این یا آن پس زمینه انقلابی در جنبش را ممنوع به هرگونه صلاح دیدن یا سیر حواالت بنماید.

طرفانی که بر منافع جنبش
انقلابی خلق کرد لطافت
جبران تأیید می وراد خواهد نمود
تبدیل کرد. (ر. ک. شماره ۱۸ صفحه ۱۱)

معلوم نیست اگر حزب دمکرات
معتمد بر ادعاهای که راه کارگر
برای او می شمارد نباشد یا حداقل
به آن شیوه ای که راه کارگر عاجزان
طلب می کند فکر نکند و دست
به عکس العمل مشابه بزند که
زده است و "باید" هاید کارگر
را عملاً "باید" تبدیل
نموده و بعد از آن عامل نماینده
که کرده است، تکلیف نقضی
عاجزان را کارگر و اصولاً وضع
مواضع خود راه کارگر حسم
می شود؟ اگر حزب دمکرات از
این با آن اقدام نپرهیزد
بالاخره راه کارگر چه می کند؟
لا بد همان کاری که امروز زهر
فشار واقعیت ها به آن کردن
نهاد است.

ولی برای آنکه سیر تائیدی
موضعگیری راه کارگر را از دست
ندیم لازم است همین نظر
اجمالی به مواضع این جریان
را تا همان ابتدای درگیریها
ارام دهیم تا ببینیم از نقطه نظر
راه کارگر چه کسی باد را کاشت
و چه کسی امروز همان باد را به
طوفان تبدیل کرده است.

امروز دیگر بعد از انتشار
گزارشات مختلف بر هیچکس
پوشیده نمانده است که در جریان
درگیری ۲۰ آبانماه پیشمهرگان
حزب دمکرات علاوه بر حمله
سازمان یافته به مقرهای کومه له
دست به جداسازی از قبیل
لصدام امیرا و غیره زدند و
حزب دمکرات نه تنها در طول
مدتی که اقدامات مشترکی با
کومه له برای ریشه یابی ایمن
درگیری داشت، بلکه تا کنون نیز
از پذیرش رسمی آن و برخورد
مشولانه با چنین فجایعی شانه
خالی کرده است. و با چنین
برخوردی نیز صرف نظر از
سیاست های مقابل طرفین در طول
چندین سال گذشته، زمینه اصلی را
برای تداوم درگیریهای خود
با کومه له تا به امروز فراهم
نموده است. هر چند سیاست
آنتاگونیستی کومه له در زمینه
تعرض مقابل و در تشدید
اوضاع بی تاثیر نبوده و نیست
ولی هیچ تردیدی وجود ندارد
که عامل اصلی و تعیین کننده
در شعله بر شدن مجدد درگیری

مصالحت در جهت حل اختلافات
فیما بین نیست آیا سه ماه
دیگر وقت لازم بود که اپوزیسیون
دست آموز راه کارگر جبرأت و
جسارت بخور داده جوینده
جوینده هم شده بگویند
مسئولیت نه حتی ارامه
درگیریها، بلکه لطافت پیشتری
که بر جنبش وارد می آید
به عکس، کیست وجد حزب
دمکرات به عامل اصلی
ارامه دهنده جنگ داخلی تبدیل
شده است و این عامل اصلی
را در نورق سیاست های
جنگ امروزانه کومه له و راهی
که کومه له از ابتدا آن را می
پیمود پیچید تا به سیخ
ببازد و نه کباب، نه راه کارگر
از قافله عقب مانده باشد و نه
حزب دمکرات از دوستسان
خود دلخور شده باشد.

البته راه کارگر قبل از آن هم
مواضعی داشته راه کارگر در
اسفند ماه در مقابل اختیاع
حزب دمکرات از پذیرش آتش بس
و دست بعد از دو ماه از شدت
گیری مجدد درگیریها می گوید
موضعگیری و سیاست
انحرافی کومه له... نباید

حزب دمکرات را به عکس العمل
های مشابه بکشاند... حزب
دمکرات نباید چنین برخورد

کند چون کومه له با تعرض
سازمان یافته ما را در بن بست
قرار داده ما هم چاره ای جز
برخورد و اقدام متقابل
نداریم... به این خاطر که
اقدام متقابل حزب دمکرات
تجربه و معنای جزیر بهار
رفتن منافع جنبش ندارد...
ما از حزب دمکرات می خواهیم
که از در پیش گرفتن چنین
سیاستی پرهیزد.

(ر. ک. شماره ۱۹ صفحه
۲۳ و ۲۷ تأکیدها از ما)

اما موضعگیری تشریح
شماره ۱۸ راه کارگر در بهمن ماه
۲۳ بیان روشتری از ایمن
موضع اپوزیسیون و خواست
عاجزان راه کارگر از حزب
دمکرات را به نمایش گذاشته است:
اگر حزب دمکرات مدعی
است که به منافع جنبش پایبند
است و منافع جنبش را برتر
از منافع سازمانی خود می داند
بدون شک باید از دست زدن
به عکس العمل مشابه خودداری
کرده و مانع از این گردد که
بادی را که کومه له کاشته است به

درگیریهای حزب دمکرات...

نمیدانیم ای واداشته است؟ که
امروز از "تقابل" حزب دمکرات
با خدایت مردم و نیروهای
انقلابی سخن می گویند از
مسئولیت حزب دمکرات در
لطافت پیشتری که بر جنبش
انقلابی خلق کرد وارد می آید
دم می زنند.

ولی نگاه گذرانی به موضوع
گیری های راه کارگر در طول
این درگیری ها چه واقعه
راه کارگر را با وضع پیشتری
روشن خواهد ساخت.

راه کارگر در فروردین ماه
۲۴ یعنی در سومین ماه شروع
مجدد درگیری ها، یعنی درست
دووقعتی که حزب دمکرات پس
پیش شرط های غیر اصولی خود
یا فشاری هر چه بیشتر می نموده
گفته است که... امروز کومه له
قطع نظر از انگیزه های نادرست
و اهدافی که دنبال می کند،
خواهان آتش بس فوری است که
باید با آن برخوردی متقابل
و مثبت داشت. در اینجا متوجه

حزب دمکرات نیز باید پذیرد...
بدون توجه به تحلیل این یا آن
گروه سیاسی منجمله کومه له قطع

درگیریها ضروری است و بنابراین
حزب دمکرات راهی جز در پیش
گرفتن مصالحت در جهت حل
اختلافات فیما بین در پیش نگیرد.
(ر. ک. شماره ۲۰
صفحه ۱۶ تأکیدها از ما)

راه کارگر اگر چه سه ماه
پیش از آن ادعا داشته است که با
آمدگی کومه له برای آتش بس
باید برخورد مساعد و مثبت
داشت با آنکه ادعا داشت که
قطع درگیریها ضروری
است به جای آنکه موضعگیری
صریح نموده و از حزب دمکرات بخواهد
دست از سیاست غلط خود بردارد و ایمن
خواسترا بعنوان یک اراده سیاسی بیان
نماید، طی یک فرمولیستی اپوزیونیستی
به حزب دمکرات
درگوشی گوشزد می نمود که
راهی جز در پیش گرفتن

درگیریهای حزب دمکرات و...

«اربعاهای کومه له و...»
عدم وجود اقدام موثر برای
جلوگیری از تکرار آنها و محکوم
نمودن آنها بلکه دیدگاههای
کومه له و تحلیل
او از حزب دمکرات و سیاست
غلط کومه له به تنهایی و نه در
برخوردها مقابل با سیاست
غلط حزب دمکرات در کابل
به وجود آورده است، گویند.

«آنچه ستیز نظامی این
دو نیرو را به امری اجتنابناپذیر
تبدیل کرده، درهم ریختن
صفوف انقلاب و فرد انقلاب
توسط کومه له است...»
همانجا
بسیار خوب آقایان برای از میان
رفتن ستیز نظامی باید کومه له
تحلیل خود از حزب دمکرات
را پس بگیرد، تابعیت و رهبری
حزب دمکرات را بپذیرد، یعنی
به همان شرایط حزب دمکرات
برای انشمار کردن بگذارد، یا
نه، راه مسالمت آمیز و دمکراتیکی
برای تنظیم روابط فیما بین، در
عین احترام متقابل به نقطه
نظرات همدیگر و التزام به
آزادی فعالیت سیاسی وجود
دارد؟

راه کارگر به این و با آن
سیاست مشخص در زمینه گسترش
درگیریهای حزب دمکرات و کومه له
نه تنها کاری ندارد، بلکه
گریزان از چنین برخوردی نیز
هست. راه کارگر بدون ریشه یابی
درگیریهای کنونی یک شبه به
تحلیل اقدام آوارشیستی کومه له
در ششم بهمن ماه تمامی سابقه
امر درگیری را به فراموشی
می سپارد و اعلام می دارد که:

«در شامگاه شش بهمن تحولی
در درگیریهای حزب
و کومه له صورت گرفته و
کومه له برای اولین بار درگیری
را به سطح دوسازمان رساننده
... و با اعلام رسمی این
اقدام ... به یار تمامی
دستاوردها و منافع جنبش در
معرض تاراج قرار داد.

(ر. ک. شماره ۱۸ صفحه ۱۱)

به های سرابری حزب دمکرات و
کومه له که هم اکنون نیز ادامه
دارد، همانا برخورد حزب دمکرات
با مصالحه درگیری ۲۵ آبان ماه
اورامان و بی انتظاری او به هرگونه
برخورد سیاسی با اینگونه درگیریها
بوده و هست. و اگر صوبه
پلنوم مرداد ماه ۱۳ حزب
دمکرات در مورد درگیریهای
احتمالی خود با کومه له را در کنار
این برخورد حزب دمکرات قرار
دهیم آن وقت روشن می شود
که تمیزیک درگیری منطقه ای
به درگیری سراسری سیاست چه
نمی بوده و چرا امروز حزب
دمکرات با دستاویز قرار دادن
یک سری پیش شرط های غیر قابل
قبول و کاملاً غیر دمکراتیک،
اصرار بر ادامه هرچه
خونبارتر درگیریهای کنونی
دارد. و چرا از همان روزهای
نخست درگیری بر خلاف توهمات
راه کارگر «نیاید» های او
را به یابند های موکند و
عملی تبدیل نمود و به جای
پرهیز نمودن از درگیری
هر روز بر ابعاد فاجعه بار آنها
افزوده و هنوز هم بر ادامه
بلا انقطاع آنها یافشاری می نماید.
ولی راه کارگر در پیروزمیل امروز، جرات
و جسارت درک واقعیت های
جنبش را ندانست. راه کارگر در
برخورد به درگیری ۲۵ آبانماه
تازه بعد از شروع مجدد درگیری
در اورامان می گوید که:

«بر اساس جموعه خواهد
موجود اینطور بنظر می رسد
که پیشمرگان حزب از تغییرات
بیشتری برخوردار بودند و حداقل
حزب دمکرات در برابر
اربعاهای کومه له (و نه
واقعیت های موجود) ملا نمی
پر اقدام پیشمرگان اسیر
کومه له توسط پیشمرگان
حزب دمکرات و تأیید
تحقیقاتی که در این باره
صورت گرفته بود، پاسخ
قابل قبولی ارائه نداده و
اقدام موثری برای جلو
گیری از تکرار چنین اعمالی
و محکوم نمودن آنها نکرد.
(ر. ک. شماره ۱۸ صفحه
۱۱ و ۱۲ تاگید ها از ما)

اما به زعم راه کارگر شعله ور
شدن درگیریهای مجدد رانده
این برخورد حزب دمکرات در
زمینه دادن پاسخ « قابل قبول »
راه کارگر به نه تنها حقایق
موجود و افکار ناپذیر، بلکه

راه کارگر عاجز از درک این
واقعیت است که چه کسی قبل از
کومه له در عمل چنین اقدامی
را کرده است. حزب دمکرات
حتی به زعم راه کارگر با سکوت در
مورد وقایع ۲۵ آبانماه اورامان
گدام دستاورد و منافع جنبش را
حفظ می نمود که کومه له بسا
اقدام آوارشیستی خود آن را تاراج
داد؟ دیگر از جنبش چه چیزی
می توانست باقی بماند هر آینه
رهبری حزب دمکرات در عین
اطلاع کامل از فجایع تشکیلات
اورامان خود به تکرار مکرر تهدید
پلنوم خود علیه کومه له دست
بزنند. و وقتی نیروهای مثل
راه کارگر وجود داشته باشند که
با وجود تمامی دلایل و شواهد
موجود در مقابل فجایع ۲۵ آبانماه
اورامان با عباراتی از قبیل
« در صورتیکه اعمالی از قبیل
اقدام اسیرا در میان باشد... »
جنبش بی تفاوت و چنین متغیر
برخورد نمایند از کومه له چه
انتظاری می توان داشت جز اینکه
با کله در چاله ای که حزب
دمکرات تعبیه نموده است
نفتند. آیا راه کارگر و امثالهم
از جمله خود حزب دمکرات یک
لحظه به این واقعیت فکر کرده اند
که نقطه عطف درگیریهای حزب
دمکرات و کومه له در کجاست؟
روز ششم بهمن ماه چه اتفاقی
افتاده بود. اتفاقاً برخلاف
تصور راه کارگر کومه له این
رهبری کومه له نبود که برای اولین
بار درگیری را به سطح دوسازمان
رسانده و آنرا از سطح منطقه
ای فرا تر برد. بلکه این
رهبری حزب دمکرات بود که
بعد از اطلاع از کم و کیف درگیری
۲۵ آبان ماه اورامان، از برخورد
مسئولانه خود پاری نمود و عملاً
مهر نباید بر آن گذاشت و آگاهانه
بر اقدامات تشکیلات اورامان خود
صحه گذاشت. برخلاف تصور
راه کارگر قبل از شامگاه شش
بهمن تمامی دستاوردها و
منافع جنبش با استنکاف حزب
دمکرات از هرگونه برخورد
مسئولانه ای به تاراج رفته بود.
درک این واقعیت نیازمند هیچ
چیزی جز یک جو احساس مسئولیت
انقلابی در قبال جنبش نیست.
چیزی که راه کارگر تا به امروز
از آن بی بهره و هست. اگر
راه کارگر اندکی احساس مسئولیت
انقلابی در قبال سرخشت آبی

برای هیچ کس تسریدی در مسئولیت حزب دمکرات در ادامه درگیریها و اختراع از پذیرش آتش بس باقی نمانده است. در دستاویز قرار دادن همان نسبت و فرمول - بلندی مبهم او لایوشناسی می گردد.

ولی اگر راه کارگر خود نیز آگاه نباشد، بر هیچ کس پوشیده نیست که جنبش تحلیلی راه کارگر از جنبش کردستان، راهی برای این جریان آگونیست و دنباله رو جز دنباله روی از حوادث و تسنیر کردن به هر چیز ممکن و موجود باقی نگذاشته است. راه کارگر اگر چه امروز بعد از شش ماه گوشه ای از واقعیت را تسرید و تزلزل در قبال درگیریها اسلام داشته است، ولی عملاً قادر نیست با توده به شکل و شیوه و ضمن حقائق برخورد کند. نسبت به درگیریهای کنونی هیچ گام عملی در زمینه قطع این درگیریها برادر. لازمه چنین اقدامی مسلماً نه تنها صراحت موضع و تصحیح قطعی و بسی محابای اشتباهات از موضع انقلابی و نه کاملاً اپورتونیستی بلکه حرکت عملی در زمینه ایجاد اراده عملی در مقابله با سیاست مبتنی بر ادامه این درگیریها بر مبنای اصول مشخص و برنامهای روشن است که راه کارگر فاقد آن است.

به طوفان تبدیل شود. راه کارگر اگر همین واقعیت فسر می گردد و می توانست سرش را از لاک خسور بدر آورد، پراحتی می توانست درک نماید که چه عواملی زمینه این درگیریها را فراهم ساخته است. و چه کسی در ادامه آنها نقش و مسئولیت دارد، و کدام نیرو در تبدیل این درگیریها به درگیری سراسری نقش تعیین کننده را داشته و دارد، و هر چه اساسی امروز از قطع درگیریها اختراع می ورزد. آنگاه تازه بعد از شش ماه به این فکر نمی افتد که بخواهد با به نعل و به میخ زدن، مسئولیت تبدیل درگیریها به درگیری سراسری را به حساب کومه له بگذارد و به همان نسبت که حزب دمکرات از پذیرش قطع درگیریها، اختراع و رزیده حزب دمکرات را به همان نسبت مسئول بداند. گوئی هنوز برای راه کارگر روشن نشده است که حزب دمکرات با پیش شرط های خود که برای هر نیروی که اندک درکی از مسائل جنبش داشته باشد مورد پذیرش نمی تواند باشد، عملاً هر گونه زمینه قطع درگیریها را از میان برده است و محدوده مناقشات خود با نیروهای انقلابی را هر روز به فراخسور مواضع سیاسی نیروها گسترش داده و می دهد. اپورتونیسم امروز راه کارگر، دست در زمانی که

درگیریهای حزب دمکرات...

جنبش و منافع و مصالح آتی و آتی آن می داشت هرگز از موضع گیری صریح و روشن در قبال این درگیریها طفره نمی رفت و بدون هرگونه تحلیل دقیق آنچه که واقعیت این درگیریها و علل و زمینه های اساسی آن را تشکیل می داده در همان روزهای نخست این درگیریها که امروز حزب دمکرات را به هر نحو و با هر فرمولیستی اپورتونیستی مسئول ادامه آن می داند، با صراحت نه تنها موضع می گرفت بلکه با متعصب قرار دادن مسائل از قبیل درهم ریختن صفی انقلاب و بعد از آن از سوی کومه له و بدون ریشه یابی آنچه که در شش بهمن اتفاق افتاد و چه بسا در دهم بهمن و یا هر روز دیگری با توجه به برخورد حزب دمکرات نه تنها در اورامان بلکه در دهها نقطه دیگر نیز امکان بروز آن به وجود آمده بود اسلام نمی کرد؛ کومه له بادی را کاشته است حزب نباید بگذارد

چند خبر از سنج

از هفته ۱۸

در تاریخ ۳۶ خرداد ماه، مردم شهر تظاهرات وسیعی را علیه رژیم بر پا کردند. تظاهرات نخست با تجمع در بلوار شهر شروع می شود. مزدوران رژیم بلافاصله با چند خود رو و متوجه سیکلت خود را به محل تظاهرات می رسانند و شروع به تجمع نیرو می نمایند. در حین تظاهرات دو مأمین گشت صباه توسط تظاهر کنندگان به آتش کشیده می شود. بعد از این اقدام توده های انقلابی شهر سنج مزدوران رژیم به سوی تظاهر کنندگان و شبانه پور می می گورند. اما با مقابله سرسختانه تظاهر کنندگان و نیرو می کردند که با شعار مرگ بر رژیم جمهوری اسلامی، مرگ بر پاسدار، صفوی خود را هر لحظه فشرده تر می نمودند.

بالاخره بعد از رسیدن نیروی گشتی، پاسداران ارتجاع اقدام به تیراندازی هوایی و محاصره و پراکندن تظاهر کنندگان نموده و تعدادی از آنها را دستگیر می نمایند.



در همین روز در نقطه دیگری از شهر نیز، دو جانش مزدور، که در محله قطارچیان دست به آزار و اذیت و بی حرشی نسبت به مردم زده بودند، مورد حمله اهالی شور این محله قرار گرفت. مجبور به فرار می شوند. به دنبال فرار این مزدوران تعداد دیگری جانش نیز خود را به محله می رسانند تا به اوصاف و تهدید و آزار و اذیت مردم بپردازند. ولی آنها نیز به اعتراض شدید اهالی محله روبرو شده، به زد و خورد با آنها پرداخته و عاقبت بعد از خسورن گشت محلی همگی آنها نیز مجبور به فرار می گردند.

دو روز دوم تیر ماه نیز در میدان شهر، پور مزدور زحمتکشی مورد آزار و بی حرشی و ضرب و شتم یکی از جانش های خود فروخته قرار می گیرد. این اقدام جانش مزدور نفرت و انزجار مردم را بر می انگیزد و آنها با قیام مرگ بر جانش و مرگ بر خمینی دست به اعتراض می زنند. اعتراض مردم به حدی شدت می گیرد که جانش خود فروخته به سختی موفق می شود جان خود را از دست مردم خشمگین و معترض نجات داده، فرار کند.



همچنین در تاریخ ۱۰ تیر ماه در خیابان فردوسی، پاسداران مزدور به پجانه بی حسابی، به آزار و اذیت زنان می پردازند که با اعتراض شدید مردم روبرو

اخبار جنبش توده‌ای

اعتراضات توده‌ای علیه

تسلیم اجباری

در این ماه نیز هم چون ماههای گذشته، رژیم جمهوری اسلامی تلاش نمود که با توسل به انواع و اقسام شیوه‌ها، زحمتکشان کردستان را مجبور به تسلیم به نفع خود نماید. اما در تمامی موارد با مقاومت و اعتراضات یکپارچه مردم روبرو شده، مجبور به

عقب نشینی گشت. در این ماه نیز اهالی زحمتکش روستاهای کردستان مقابل با سیاست ارتجاعی تسلیم اجباری را به عرصه دیگری برای تشدید مبارزات خود علیه مزدوران رژیم مبدل ساختند.

مردم روبرو شده که نهایتاً آنها مجبور به آزادی دستگیر شدگان و ترک روستا می‌شوند.

نه تنها در روستای "ویسر" بلکه در کلیه مواردی که به مزدوران رژیم در منطقه "واوه رود" و "چم‌شار" که از اهالی تمامی روستاهای این مناطق خواسته‌اند که مسلح شوند، با اعتراضات منابهی روبرو گشته‌اند. اهالی روستای "گیلان" حتی به عنوان اعتراض به رفتار مزدوران دسته جمعی و یکپارچه به شهرستندج نیز رفته‌اند.

اهالی روستای "سور" نیز در اواخر ماه گذشته، با مقاومت یکپارچه در مقابل خواست تسلیم مزدوران رژیم، عملاً تمامی تلاش‌های ارتجاعی آنها را نقش بر آب ساخته‌اند.

در منطقه شمال کردستان و در اطراف اورمیه نیز در اوایل این ماه توسط چند نفر از سرسپردگان و مزدوران رژیم در روستای ده سگر تعداد ۲۵ نفر از اهالی این روستا مجبور به تسلیم می‌شوند. روز بعد از تسلیم اجباری این زحمتکشان، یوکرده چایرها، به روستای ده سگر رفته و شروع به تهدید مردم می‌کنند که با اعتراض یکپارچه اهالی روبرو شده و زحمتکشان مسلح شده نیز اسلحه‌های رژیم را به سوی مزدوران پرت نموده به جمع زحمتکشان معترض می‌پیوندند. این اقدام مزدوران را به ضرر العمل واداشته آنها به ضرب و شتم اهالی می‌پردازند. ولی موفق به پیشبرد اهداف ارتجاعی خود نگشته و با مراکتدگی مجبور به ترک روستا می‌شوند.

در منطقه بوکان نیز در تاریخ ۱۰ تیرماه روستاهای "گانی" و "سور" مورد یورش مزدوران رژیم قرار می‌گیرد. آنها حدود ۲۴ ساعت در روستا حکومت نظامی برقرار می‌کنند و جوانان روستا را دستگیر نموده تلاش می‌کنند به پادگان‌ها بفرستند که با اعتراض یکپارچه مردم مجبور به آزاد نمودن آنها می‌شوند.

در منطقه اورامان نیز، جاش‌های مستقر در اورامان تخت، طی یورش به روستای

با اقدام به شکنجه زندان موفق به فرار می‌گردند. مده‌ای دیگر از این دستگیر شدگان نیز در نتیجه تسلیم اعتراضات اهالی آزاد می‌شوند اما مزدوران بالاخره چند نفر از اهالی روستای "واوه رود" را همچنان در زندان نگه می‌دارند تا مگر آنها را تسلیم سیاستهای ارتجاعی خود نمایند. ولی اهالی زحمتکش روستای "واوه رود" یکصد و متحد به رژیم اسلام کرده‌اند که هرگز اسلحه رژیم را نپذیر خواهند داشت.

در منطقه ستندج نیز مزدوران رژیم به منظور تسلیم اجباری زحمتکشان خلق کرد به روستای "ویسر" در "واوه رود" یورش آورده، روستا را به محاصره خود در می‌آورند و خنجر از روستا را ممنوع اعلام می‌کنند. آنها به زور اهالی را در مسجد روستا جمع کرده بعد از آزار و اذیت و بی حرشی بسیار به مردم، از آنها می‌خواهند که مسلح شوند. اما با اعتراض وسیع اهالی روبرو شده، مجبور می‌شوند برای ارضای آنها دست به تیراندازی بزنند، که این اقدام مزدوران نیز تغییریری در تصمیم اهالی ایجاد نمی‌کند و پس سرکوبگران رژیم با مشاهده اوضاع، از گسار بازناپسنداده شروع به دستگیری اهالی می‌نمایند که این تلاش مزدوران نیز با اعتراض شدید

در منطقه میوان تلاش مزدوران رژیم برای تسلیم اجباری اهالی روستای "واوه رود" حسن آبد، "گوینده کوچه"، "پیلده"، "عصر آبشار"، "پله سی" و "چاک" کاملاً با شکست روبرو گشت. اگر چه مزدوران رژیم برای تحمل سیاست ارتجاعی رژیم بیشتر از ۱۰ نفر از زحمتکشان روستای "عصر آبار" را به دهی و "پیلده" را دستگیر نموده و به پادگان شهر روانه ساختند، ولی در مقابل اعتراض وسیع اهالی این روستاها مجبور به عقب نشینی گشتند. اهالی این روستاها یکپارچه و متحد، با خواست آزادی دستگیر شدگان، جلوی پادگان رفته و خواست خود را به اطلاع مزدوران می‌رسانند. اما مزدوران رژیم به آنها می‌گویند تنها در صورتی حاضر به آزادی دستگیر شدگان هستند که اهالی مسلح شوند. این امر خشم و نفرت زحمتکشان روستاهای مذکور را برمی‌انگیزد و مزدوران رژیم برای جلوگیری از گسترش اعتراضات آنها ناسای از طرف زحمتکشان دستگیر شده جعل می‌نمایند که گویا آنها حاضر شده‌اند به نفع رژیم مسلح شوند. این امر علاوه بر آن که مورد پذیرش اهالی قرار نمی‌گیرد، خشم و نفرت زندانیان را نیز برمی‌انگیزد و اعتراضات دستگیر شدگان یوحدی شدت می‌یابد که عده‌ای از آنها

اخبار جنبش نودهای

اخصراطات توده ای
علیه تسلیم اجباری

برنگشتند . اما بعد از این ناگامی
مزدوران رژیم از کاربائناستاده
به انحاء گوناگون به آزار و اذیت
مردم می پردازند ، از جمله به
بهاشتن این که پیشمرگه به داخل
شهر نفوذ کرده است شروع به
تیراندازی و بازرسی و اذیت
مردم می نمایند .

در منطقه مهلباد نیز
روز ۲۴ خرداد ماه جانرها و
پاسداران به روستای "حاجی حسن"
تازه کنند "کج آبسار"
"مرجان آبسار" و "گزلان"
حمله کرده به آزار و اذیت
مردم می پردازند ، در روستای
"گزلان" مبلغ زیادی پول
اهالی را نیز به سرقت می برند .

در منطقه ربط نیز مزدوران
رژیم روز ۲۵ خرداد ماه ، در مقابل
اقتضای یکی از زحمتکشان روستای
"هنگه وی" در تحویل اسب
خود به آنها دست به انفجاریک تاراج
من کردند که در نتیجه آن
زحمتکش صاحب اسب زخمی می شود

در تاریخ ۳۰ خرداد ماه
نیز در منطقه پانه به روستای
"تسخان آباد" حمله نموده به
آزار و اذیت مردم می پردازند
که با اعتراض اهالی روبرو شده
و مجبور به ترك روستا می گردند .

مزدوران مستقر در روستای
"سیف" میروان نیز که برای
حفظ جان خود تمامی روستا را
سنگربندی نموده اند ، صبح روز
پنجم تیرماه با سنگرهای خراب
شده روبرو می شوند که شبانه
توسط اهالی تخریب شده بودند .
آنها با آزار و اذیت مردم از آنها
می خواهند کسانی را که
سنگرهای مزدوران را خراب
کرده اند ، معرفی نمایند . آنها
حتی ۳ روز از بیرون رفتن
حیوانات و گاو و گوسفند های

روستائیان نیز جلوگیری نمودند
ولی موفق نشدند که اهالی
زحمتکش این روستا را مجبور به
پذیرش خواست هایشان بنمایند .
مردم این روستا برای اعتراض به
اعمال جنایتکارانه مزدوران
تصمیم می گیرند که به شهر میروان
رفته و قریب اعتراضشان را به گوش
همگان برسانند ولی مزدوران برای
جلوگیری از این کار اهالی به
سوی آنها تیراندازی نموده و
یکی از زحمتکشان این روستا را
به شهادت می رسانند .

تجربه شش سال گذشته به خوبی
آشکار ساخته است که رژیم
جمهوری اسلامی و مزدوران
و نگارنگ آن نه تنها قادر به چنین
کاری نبوده و نیستند ، بلکه
هر روز بیشتر از پیش در باتلاق
جنگی که هیچ آینده ای برای
آنها ندارد غوطه وری کردند .

ایک نمونه های از این
اعمال مزدوران رژیم در
کردستان و مقابل توده های
زحمتکش با این مزدوران :

در تاریخ ۲۳ خرداد ماه ،
عده ای از مزدوران رژیم به
روستای "داودای" در منطقه
سرحدت حمله کرده به آزار
و اذیت زحمتکشان این روستا
می پردازند ، فرمانده مزدوران
رژیم در این منطقه که یکی از
ارتجاعی ترین مهربه های رژیم
در منطقه است ، بدون اجازه
و اطلاع صاحب خانه و در غیاب
او ، به داخل خانه او می رود ، که
این عمل او مورد اعتراض یکی
از اهالی شورای روستا قرار
می گیرد ، اما فرمانده مزدوران
در مقابل این اعتراض به عضو
شورا حمله ور شده به ضرب
و شتم او می پردازد . بعد از
مشاهده این وضعیت ، اهالی
روستا از زن و بچه و پیر و جوان
تحت و پلایچه به سوی مزدوران
و به قصد کمک کاری فرامندمانها
حمله می شوند . در نتیجه
مزدوران بدون آن که امکان
فرصت کاری پیدا کنند مجبور
به فرار و ترك روستا می شوند .

روز ۲۴ خرداد نیز در شهر
سقز مزدوران با تمام تلاشی که
به کار می گیرند موفق نمی شوند
مردم شهر را به شرکت در راهپیمایی
روز قدس مجبور نمایند . مردم
شهر با آگاهی از هدف رژیم
علیرغم تمامی تلاش های مدبرانه
مزدوران رژیم ، شهر را تخلیه
نموده ، تا . شب به داخل شهر

نوم . به زحمتکشان این روستا
اخطار می دهند که باید مسلح
شوند . و اعلام می کنند که
قصد دارند در روستا پایگاه
مستقر نمایند . اما این اقدام
مزدوران با اعتراض گسترده اهالی
روبرو می شود . آنها حتی به
مزدوران رژیم درگیر می شوند
طی معین درگیری نیز مزدوران
رژیم اقدام به تیراندازی می نمایند
که در نتیجه یکی از اهالی زخمی
می شود . ولی این اقدام
مزدوران نیز خلقی در اراد
زحمتکشان این روستا ایجاب
نمی نماید و آنها مجبور می شوند
روستا را ترك نمایند .

سیاست آزار و اذیت
زحمتکشان
نشانه ترس
و
زیبونی رژیم
در مقابل
جنبش انقلابی خلق کرد
است



مزدوران مستقر در پایگاههای
مستقر رژیم که تعداد آنها
بیش از ۲۵۰۰ پایگاه پراننده
۲۲ پادگان بزرگ در کردستان
است ، به هرگونه سیاست سرکوبگرانه
- ای برای فشار آوردن به
زحمتکشان خلق کرد دست می زنند
و از هر شیوه ارتجاعی در برخورد
به اهالی روستاهای کردستان
استفاده می کنند تا مگر در اراده
استوار آنها در پشتیبانی و
شرکت فعال در جنبش انقلابی
کردستان خلل وارد نموده و از این
طریق از یک سو امنیتی برای
خود در پایگاههای مستقر رژیم
که اینک به زندانی برای آنها
تبدیل شده است ، دست و پا کنند
و از سوی دیگر به برخی اهداف
رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی
که اهم آنها انقراض توده های
انقلابی است نائل آیند ولی

سیاست آزار و اذیت زحمتکشان نشانه تیرس و زینبی ...

در منطقه پیرانشهر نیز ۷ تیرماه به دنبال ضربات پیشمرگان به مزدوران رژیم در روستای "گوده بن" نیروهای مرکوگر رژیم روز بعد یعنی ۸ تیرماه به روستای "گیله سیان" هجوم آوردند و یکی از اهالی بی دفاع این روستا را به شهادت می رسانند. اهالی روستاهای "گوده بن" و "گیله سیان" در اعتراض به این اقدام جنایتکارانه دست به اعتراض زده و از مزدوران رژیم می خواهند که پایگاه را تخلیه نمایند. وگرنه آنها به نشانه اعتراض دسته جمعی هر دو روستا را تخلیه خواهند نمود.

در نقده نیز، مزدوران رژیم طی یک پدش مشابه به روستاهای منطقه به غارت اموال اهالی پرداخته مبلغ ۱۰۰/۰۰ تومان از خانه یکی از اهالی روستای "شال مطفی" و ۸۰۰۰ تومان از خانه یکی از اهالی روستای "کانی مام سیده" را به غارت می برند. در روستای "گوده کول" نیز بعد از اختاع یکی از اهالی از پرداخت هر گونه پولی به آزار و اذیت و شکنجه اوسی پرداختند.

در منطقه بانه هم، تعدادی از مزدوران رژیم در روستای "شیو" به دو نفر از زنان زحمتکش روستا بی حرضی می نمایند که با اعتراض و خشم اهالی روستا شده و به زحمت موفق به فرار و نجات جان خود می گردند. به دنبال این حادثه، فرمانده مزدور پایگاه برای ارباب زحمتکشان روستا به داخل روستا آمده و اقدام به کشتن اسلحه می کند که مورد حمله اهالی خشمگین روستا قرار گرفته و بعد از کتک فحشی که نشوون جان می کنند، مجبور به ترک روستا می گردد.

همچنین در تاریخ ۱۰ تیرماه نیز دسته ای از مزدوران جاشی پاسدار پیشمرگان پایگاه "سج" به روستای "برگرد" رفته و به آزار و اذیت و اخاذی از مردم می پردازند. از خانه یکی از

زحمتکشان ۸۰۰ تومان پول و دو دست لباس و از خانه زحمتکش دیگری ۲۰۰۰ تومان پول به سرقت می برند. اهالی روستا دست به اعتراض زده و به رودررویی با مزدوران می پردازند که در نتیجه بالا گرفتن این اعتراضات فرمانده پایگاه مزدوران، به داخل روستا آمده و در حضور زحمتکشان معترض روستا، در مسجد به سخنرانی پرداخته و برای جلوگیری از گسترش دامنه اعتراضات قبول تنبیه متخلفین را می دهد.

در تاریخ ۱۲ تیرماه نیز در منطقه ارومیه، جاشهای مزدور به منظور ارباب مردم به روستای "خوراسبا" یورش آورده و ۲ نفر از جوانان روستا را دستگیر نموده و با انداختن ۲ عدد نارنجک در جهت آنها، به مردم اسلحه می کنند که این دو نفر ضد انقلاب اند و می خواهند خرابکاری نمایند. جاشهای مزدور ۲ جوان پادشاه را با خود به روستای "زبسه" می برند که با اعتراض اهالی این روستا روبرو شده، مجبور به آزادی آنها می شوند.

در روز ۱۶ تیرماه نیز جاش مزدوری برای تعمیر تراکتور خود، در شهرت "خسره" در منطقه ارومیه به تعمیرکار این شهرت فشار می آورد، که با اعتراض این زحمتکش روستا روبرو می گردد. جاش مزدور با مشاهده اعتراض این زحمتکش اقدام به کشتن اسلحه و تهدید او می کند که اهالی شهرت با مشاهده وضعیت و غریت پیکارچه دست به اعتراض زده، جاش مزدور را به شدت کتک کاری می نمایند. به دنبال این امر، جاشهای دیگر به محل آمده، تلافی می کنند که به سزای مردم حمله نمود، آنها را بترسانند و لی موفق به ارباب مردم نشده، مجبور به فرار می شوند. اما روز بعد تعمیرکار زحمتکش را دستگیر می نمایند. مردم بعد از اطلاع از این دستگیری، دست به اعتراض زده، تمامی شعارهای رژیم را از در و دیوار پات نموده و شریح به دادن شعار علیه رژیم می کنند. خشم و اعتراض مردم به حدی بالا گرفته بود که

که مزدوران رژیم جرات رفت آمد در شهرت را نداشتند.

در روز ۲۰ تیرماه نیز، در منطقه بانه یکی از پاسداران رژیم به روستای "سویج" رفته به آزار و اذیت اهالی می پردازد. که با اعتراض و خشم مردم روستا می شود. پاسدار مذکور به بهانه این که پیشمرگ در روستا حضور دارد، تعدادی دیگر از پاسداران را نیز به روستا فرا می خواند و این مزدوران شروع به تیراندازی به مسجری مردم می نمایند. اهالی اقدام روستا در مواجبه با این اقدام جنایتکارانه مزدوران رژیم دست به اعتراض و تظاهرات دسته جمعی زده، و با دادن شعار علیه مزدوران، آنها را از روستا بیرون می رانند.

در دیواندره نیز دسته ای از مزدوران با حمله به روستای "توکلان" اقدام به تیراندازی و ایجاد جو رعب و وحشت می نمایند که منجر به مهاجرت شدن یکی از اهالی می گردد.



اتلافهای موجود،
اتحادهای آینده!

اردیبهشت ۱۳۶۷

ارژنشتارات کمیته کردستان
سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

کردستان کردستان پاینده باد عزمت پیروز باد رزمت

چند خبر از

اعتراضات توده‌ای

علیه

جنگ ارتجاعی

جنگ ایران و عراق شهرها و روستاهای گروستان انقلابی را نیز از تاریخ قاجار خود پس قوی نگذاشته است. تنها کنون در اثر بهاران بمب افکنهای عراقی مدتها نگرانی مردم زحمتکش گروستان قربانی سیاست‌های جنگ طلبانه رژیم شده و هزاران نفر از آنان خانه‌ها-پشان صبران شده و خود آواره گشته اند.

در ماههای اخیر مردم زحمتکش گروستان طی اعتراضات متعدد نفرت و انزجار خود را از این جنگ ارتجاعی و رژیم جمهوری اسلامی به نمایش گذارده اند.

در شماره قبل ریگای گول اخباری از مناطق بهاران شده و اعتراضات ضد جنگ مردم گروستان درج گردید. اخبار زیر کوشش دیگری از این اعتراضات را نشان می‌دهد:

چند خبر کوتاه

طبق خبر رسیده از شهر بانه، دولت به کسانی که خانه هایشان در اثر بهاران های وحشیانه اخیر صبران شده است، توصیه کرد که خانه هایشان را در خارج از شهر بسازند و از تعمیر خانه های صبران شده خود در شهر خود داری کنند. این اقدام ارتجاعی رژیم در عین حال که هزینه ای سنگین را بر دوش مردم بانه تحمیل می‌کند نشانه دیگری از اصرار فاشیستی جمهوری اسلامی بر ادامه جنگ نفرت انگیز کنونی است که بیش از پیش نفرت و انزجار توده‌نارا از جنون جنگ طلبی رژیم برمی‌انگیزد.

* مستند

بعد از بهاران پادگان این شهر در تاریخ ۱۴ / تیرماه ۱۴ تعداد زیادی از خانه و منازلهای اطراف آن نیز ویران شد که طی آن ۲ نفر از مردم بی دفاع جان خود را از دست دادند.

جمع کثیری از اهالی مستند با تجمع در جلو پادگان خواستار تعرض مکان زندانیانی می‌شوند که در این پادگان در امارت قرار دارند. مزدوران پادگان در مقابل با اعتراض اهالی بی‌طرف آنها تیراندازی می‌کنند که در نتیجه عده‌ای زخمی و یک نفر نیز به شهادت می‌رسد.

* گروماتشاه

به دنبال بهاران های بی‌دینی مناطق مختلف شهر گرفته و زخمی شدن تعداد کثیری از مردم بهنگاه، همدروزه تعداد زیادی از اهالی، محل زندگی خود را رها کرده به خیل آوارگان جنگی می‌پیوندند.

روز ۲۶ خردادماه ۱۴ توده های به جان آمده طی یک حرکت اعتراضی در محل پادگان "قازانچی" تجمع نموده و ضمن تظاهرات و دادن شعار علیه رژیم و جنگ ارتجاعی، خشم و نفرت عمیق خود را از سیاستهای جنگ طلبانه رژیم نشان دادند.

همچنین در این روز تظاهرات مشابهی در یکی از خیابانهای شهر (تاجداری سابق) صورت

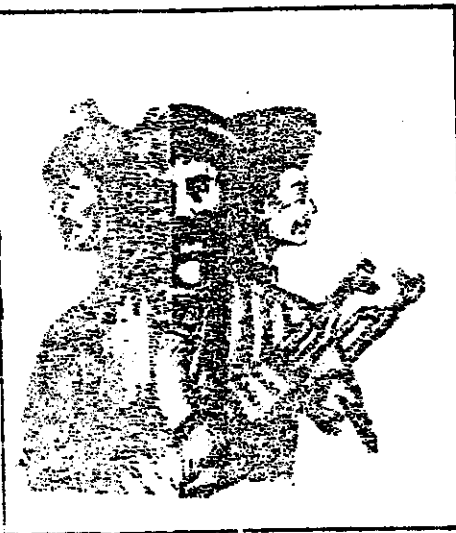
* بهران شهر

آوارگان جنگی این شهر که بی هیچ سرنوشتی شرایط سخت و مشقت باری را می‌گذرانند بعد از مراجعه به عوامل رژیم در تاریخ ۱۴/۳/۲۵ و تقاضای دریافت چادر مزدوران به آنها می‌گویند که باید کارت شناسایی داشته باشید و مبلغ ۲ هزار تومان وجه نقدی نیز پرداخت نمایید تا به شما چادر داده شود. این عمل مزدوران با اعتراض شدید مردم مواجه می‌شود. آنان با تجمع در مقابل فرمانداری دست به اعتراض می‌زنند. طی این اعتراضات عده‌ای از انسان توسط مزدوران رژیم دستگیر می‌شوند. مردم در اعتراض به این حرکت مزدوران و تسک آزادی دستگیرشدگان به اعتراضات خود ادامه می‌دهند.

در صفحه ۱۴

اخیراً استاندار مستند استان گروستان به میان آوارگان جنگی شهر بانه که در یکی از روستاهای اطراف این شهر به نام "کسانی برد" اسکان یافته اند رفته و آنها را تهدید نمود که اگر به شهر خود برنگردند، کسین های آزارشان باطل خواهد شد.

به دنبال این هشدار تهدیدآمیز رژیم مردم دست به اعتراض زده و نفرت خود را از سیاست های ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی به آشکارا ابراز داشتند. هم‌اکنون زحمتکشان بانه مجبورند به خاطر دریافت سهمیه گوشت خود روزها به شهر بروند و شبها در شهر خان شوند.



از صفحه ۲

بحران مناسبات ...

کسانی در کردستان برای نظر مردم کردستان (نام مستعار حزب دمکرات) هیچ ارزشی قائل نیستند، بهتر است نقطه دیگری را برای ادامه مبارزه و فعالیتهای انتخاب کنند.

(تاکیدها از ما)

و به قول حزب دمکرات بیشتر فوق "عین دمکراسی" است که باید دسته مردم مورد نظر حزب دمکرات به آن عمل کنند.

حزب دمکرات با چنین درکی از دمکراسی، تصور می کند که می تواند با چه استدلال - هائی سرکوب نیروهای انقلابی، کارگران و زحمتکشان را توجیه کرده و نمی کنند؟ آیا شیوه برخوردی غیر از شیوه برخورد امروز حزب دمکرات را در پیش گرفته و می گیرند؟ حزب دمکرات اگر فراموش نکرده باشد، خوب است به خاطر بیاورد که همین جمهوری اسلامی درست در همان فردای تکیه بر اینکه قدرت با چه دستاویزهایی دست به سرکوب توده ها و نیروهای انقلابی زد. و با چه بهره برداری تبلیغاتی پر سروصدائی از ۹۹٪ کدائی خود، سر نیزه را قدم به قدم بر زندگی کارگران و زحمتکشان سراسر ایران، حاکم نمود. مگر اطلاعات و دانستنی رژیم جمهوری اسلامی چینی بیشتر از اطلاع و اجازه از نیروهای انقلابی را طلبی کرد؟

تهدید حزب دمکرات به انتخاب "نقطه دیگری برای ادامه مبارزه و فعالیت" نیروهای مورد نظر حزب دمکرات، قبل از همه تهدید دیکتاتوری آریامهری را بعد از تشکیل حزب رستاخیز در ذهن متبادر می کند. رژیم پهلوی نیز در عریده های واپسین خود فریاد زد که رستاخیز و نظر دیکتاتور، یا خرنج از کشور.

باست تاسف است که حزب دمکرات امروز به جایی رسیده است که دیگر علناً دست به چنین شیوه هایی در برخورد به نیروهای انقلابی زده و بعد از این تهدیدات، رهنمودهای لازم

را نهی برای تحت فشار قرار دادن این نیروها در مناطق، مادر می کند که تحت عنوان شناسایی و معرفی و اثبات هویت و غیره در مقابل اختلاف این نیروها از اجرای اوامر حزب دمکرات:

"به آنها مشکوک شده مانند پاسدار و عامل رژیم به آنها بتگرند و امکان هرگونه عملی زبان آور احتمالی را... از آنها سلب نمایند. و اسم این همه را هم "عین" دمکراسی می گذارد.

حزب دمکرات برخلاف توهمات ذهنی خود، امروز با این برخوردها درجه بیشتر آشکار می سازد که نه تنها در عمل و در حرف توانسته است خود را با پیشرفته ترین جنبه های انقلابی و دمکراتیک جنبش کنونی مطابقت دهد، بلکه در بهترین حالت به نمایندگی بی قید و شرط عقیده مند ترین نمایان درون جنبش مردم کردستان نیز تبدیل گشته است. جنبش کنونی در کردستان برخلاف حزب دمکرات با آموزش عملی از تجارب خونین شش سال گذشته در عرصه های مختلف خود، بسیار بیشتر از آن رشد کرده است که حزب دمکرات قادر به درک آن باشد، و امروز با توجه به چنین برخوردهائی به جرات می توان گفت که حزب دمکرات را در پشت سر خود و در گذشته دور خود، بر جای گذاشته است.

جنبش انقلابی در کردستان امروز قبل از همه برای رهایی از قید و بند ستم پلیتی و اجتماعی و اقتصادی آن و استقرار دمکراسی، مکی بر اراده توده های کارگر و زحمتکش مبارزه می کند، در چنین مبارزه ای جانی برای اقتصاد هیچ نیروی جز کسانی که بر علیه جنبش اهدائی برخاسته و در مقابل مبارزه خونین جاری برای انجام تحولات بنیادی در کردستان انقلابی صف آرائی کرده باشند وجود ندارد. جنبش توده ای در کردستان برخلاف خط و نشان کشیدن های امروز حزب دمکرات، در طول شش سال گذشته، در هزاران مورد مشخص با آغوش باز از هر مبارزی که بر سینه دشمن متسک نشانه رود، استقبال نموده است، چه رسد به فرزندان دلیر خود که در طول شش سال گذشته، با نجاست و قیاس خود، یوزه ارتجاعی ترین دیکتاتوری سرکوبگر بورژوازی را در

کردستان برخاک مالیده اند. همان کسانی که امروز حزب دمکرات آنها را به دسته های مختلف تقسیم کرده و برای هر کدام خط و نشانی می کشد، چهره های نا آشنائی در کردستان انقلابی نیستند و از روی بسته هم درنیامده اند که حزب دمکرات هم چون پاسدار و عامل رژیم با آنها برخورد نماید.

بر خلاف تصور حزب دمکرات، امروز دیگر مخالفت با سیاست های غیر اصولی حزب دمکرات پیروز در برخورد به درگیری های کنونی نه تنها هیچگونه مفایده ای با اهداف پیروز جنبش انقلابی ندارد، بلکه دقیقاً در انطباق کامل با این اهداف و عینیت مبارزه جاری در کردستان است. امروز اگر کسی مصرانه در مدد وارد آوردن لطافت جدی بر پیش جنبش کنونی از طریق اعمال و پیشبرد اینها آن سیاست معینی باشد، آن کس در درجه اول خود حزب دمکرات است که با اقتضای از قطع درگیری های خود با کوهله و به تعاقب آن تهدید نیروهای انقلابی دیگر، بهترین لطافت را نه تنها بر پیش جنبش انقلابی خلق کرد، بلکه بر خشیث انقلابی و دیکتاتورهای دمکراتیک آن وارد می آورد.

طبعی است که با چنین برخوردهائی حزب دمکرات نه تنها حاضر نیست کاملاً در جهت حل مسائل گریه کنونی در مناسبات فیما بین نیروها و قبل از همه درگیری های خود با کوهله - سر دارد، بلکه تلاش می کند، هرچه بیشتر بر رخات اوضاع افزوده و اهداف محدود و کوتاه نظرانه خود را در پشت سر این سیاست کاملاً محکوم، رهنیال نماید. از این رو ما خواهان برخورد جدی و مسئولانه مردم توده های انقلابی کارگر و زحمتکش، خلق کس و کلیه پهنمیرگان و مبارزان راه رهایی خلق کرد و دیگر خلقهای سراسر ایران و عموم نیروهای انقلابی و دمکرات با سیاست های کنونی حزب دمکرات که مفایر با تعامسی موازین انقلابی جنبش کنونی است، هستیم.



مستهای دمکراتیک در کردستان

دمکراسی به شیوه مجاهدین!

از صفحه ۲۸

اصول انقلابی و دمکراتیک در عرصه برنامه‌ای رسواست از آن هستند که احتیاجی به افشا ندارند و ولی شوهر پر خور آنها با چنین اصولی آنها از همین امروز و در سنده یکسری از کانتونهای گرم و پرشور مبارزه یعنی کردستان انقلابی با اصول و دستاوردهای انگار ناپدید میسر چنین مبارزه ای مهر و نشان همین خود را در شرایط کنونی بر پیشانی خود دارد.

ایک عین ملاحظه:

در روز سی ام خرداد ماه یکی از افراد تحت تنظیمات مجاهدین خلق بعد از خروج از مقر مجاهدین، به یکی از مقرهای سازمان ما مراجعه نموده و تعالیم خود مبنی بر پیوستن به پیشمرگان سازمان را اعلام داشت. رفقای ما پس از پذیرش وی و بر اساس احترام به اصل آزادی انتخاب راه و مسیر آینده خود از سوی هرکسی، این امکان را به او دادند که در مورد تصمیم خود تعمق بیشتر نموده و عکس و زمینه ها و انگیزه های خود را گزارش نماید. تا در مورد مناسبات قبلی وی با مجاهدین و اصول و وضعیت او از نقطه نظر امنیتی و تشکیلاتی اقدامات لازم به عمل آید.

اما به فاصله چند ساعت بعد از آمدن فرد مذکور به یکی از مقرهای پیشمرگان مانگهبانان مقر متوجه افرادی شدند که از گوههای اطراف با دوربین و تجهیزات دیگر مشغول شناسایی مقر ما هستند که بلافاصله به تعقیب این افراد می پردازند که نهایتاً افراد مورد نظر بعد از تعقیب به داخل مقر مجاهدین فرار می کنند. متعاقب این امر و نیز مراجعات مکرر مسئولین مجاهدین به مقر ما و اصرار مکرر برای ملاقات بی در پی و متعدد با فرد مذکور علیرغم دیدارهای چندین ساعته با وی رفیق مسئول مقر پیشمرگان ما به حبت رعایت موازین اصولی در روابط فیما بین نیروها از جمله اجتناب از گسیل نیرو برای شناسایی مقرهای سازمان ما و غیره طبعی نماند ای به مجاهدین در مورد توجه به

مزارین مورد پذیرش و احترام کلیه نیروها در کردستان به آنها هشدار داد عین نام چغیسی بسوزد.



خود را محق به هر گونه اقدامی برای دفاع از اصولی می دانند که مجاهدین خلق علامت نیز از همین امروز در درد محو آنها هستند.

سازمان مجاهدین خلق ایران - مرکز کردستان ۱۴۵

۲۱ / ۱ / ۴۱

با سلام و ضروری است با توجه به اقدامات پیشمرگان آن سازمان در روز ۲۰ / ۲ / ۴۱ این نکته را یادآوری کنیم که در صورت نیاز به هرگونه تعامل همچون تماسی سازمانهای سیاسی موجود در کردستان، آن سازمان نیز از طریق ارگان مناسب تشخیص و مسئول اقدام نموده و از افزودن نیروی مسلح به اطراف مقرهای ما تحت هر عنوانی خودداری کرده و از تکرار برخورد روز ۳۰ / ۲ / ۴۱ جدا اجتناب نمایند.

طبیعی است با توجه به این واقعیت که امروز دیگر مناسبات منته شده ای در مناسبات فیما بین نیروهای سیاسی در کردستان است. تنها مراجعات رسمی از سوی آن سازمان پاسخ داده خواهد شد.

با تشکر

مسئول مقر...

سازمان جبهه ملی ایران
کمیته کردستان

۲۱ / خرداد / ۴۱

بلافاصله بعد از این واقعه ما عین مساله و اقدامات مورد نظر خود را در همان نیمه شب اول تیرماه به اطلاع تمامی نیروهای ذی نفع در منطقه رسانیده، اما آماده اقدام ضرور گشتیم. اما بنا به درخواست مداخله از سوی نیروهای ذی نفع مهلتی را برای هرگونه اقدام سیاسی تعیین نمودیم.

طبیعی است که بازداشت فرد مذکور که در حرم حفاظت مناسبتی را قرار داشت ما را به هرگونه اقدامی در جهت دفاع از این حرم محق می داشت و ما در صورت عدم موفقیت جریاناتی که خواهان فرصتی برای برخورد بودند، حق توسل به هر وسیله ای را برای خود محفوظ می دانستیم و با تمامی قدرت در صدور پاسخ به مجاهدین خلایق بودیم.

در پیچیده این تلاشها بود که مجاهدین خلق بعد از ۲۴ ساعت و بعد از ساعتی بازداشت و اوعاب و تهدید مجبور به آزادی فرد مذکور شده و با تمامی وعده و وعیدهای خود موفق به تغییر عقیده او برای بازگشت به درون روابط مجاهدین نگشتند.

بدیهی است از نقطه نظر ما تنها فرد مذکور می توانست

اما مجاهدین خلق فردی آن روز نیز اگر چه با توجه به هشتمی رفقای پیشمرگ فدائی از هرگونه اقدام برای شناسایی مقرهای ما خودداری کردند ولی باز هم یک های غیر رسمی خود را بین مقر ما و مقر خودشان و به اصطلاح برای رساندن نامه های خصوصی و صحبت های خصوصی به فرد مذکور، روانه مقر ما ساختند. که نهایتاً رفقای مسئول پذیرش پیشمرگان ما تقاضای فرد مذکور را برای مراجعه به مجاهدین تسویه حساب قلمی با آنها را پذیرفته و وی عصر روز ۳۱ خرداد ماه برای تسویه حساب و بنا به اصرار مجاهدین خلایق و به همراه دو نفر از رفقای پیشمرگ ما روانه مقر مجاهدین گشت. ولی برخلاف عرف معمول در کردستان مجاهدین خلایق به جای تسویه حساب با فرد مذکور اقدام به بازداشت وی نمودند و از بازگشت وی ممانعت به عمل می آورند. امری که مورد اعتراض رفقای پیشمرگ همراه وی قرار می گیرد. بعد از اطلاع مسئولین از موقع در حدود نیمه شب اول تیرماه با توجه به اهمیت موضوع از سوی پیشمرگان ما اعلام آماده باش می گردد. وظیفه صحبتی حضوری از مجاهدین خواسته می شود دست از این بی پرستی بردارند و در غیر این صورت سازمان ما

سنت‌های دمکراتیک در کردستان

دمکراسی به شیوه مجاهدین!

برخوردار است، سنت‌هایی که دیگر به قانین مبارزه در کردستان مبدل شده اند و اصلی‌ترین راسخ‌ترین این سنت‌ها را حفظ حریم نیروهای سیاسی و احترام به آزادی عقیده و بیان و تشکیلات و انتخاب آزادانه مسیر زندگی برای هرکسی تشکیل می‌دهد. اگر سازمان مجاهدین در برنامه خود چنین اصولی را زوایا نهاد باشد، در عمل و امروز که در کردستان می‌خواهد حضور داشته باشد نمی‌تواند به بازداشت افراد و بازجویی و زندانی کردن آنها دست‌زده، حریم سازمان‌های سیاسی را مورد تعرض قرار دهد و چنین حقی را به خود بدهد که دست‌به‌بازداشت نیروی تحت‌تنظیمات سازمان‌های دیگر بزند، که به اختیار خود و با آزادی کامل چنین تنظیماتی را پذیرفته است.

اگر مجاهدین قیاس به نفس نموده و تصور می‌کنند که دیگران نیز هم چون خود آنها افراد را در محدوده سیم‌های خاردار اطراف مقرهایشان به زور و جبر نگه می‌دارند، سخت در اشتباهند، آنچه که در کردستان انقلابی خیلی بیشتر از آن‌ها که حتی پای مجاهدین به کردستان باز شود و حتی خیلی پیشتر از زمانی که مجاهدین هنوز آمادگی خود را برای خامنه دادن به قائله کردستان به اطلاع امام عظیم‌الشان می‌رسانند، این سنت دمکراتیک در کردستان مورد قبول و محری کلیه نیروهای انقلابی بوده و اکنون نیز هست که هر نیرویی و هر پیشمرگه رزمنده‌ای از این حق برخوردار است که آزادانه تشکیلات، برنامه و سیاست مورد قبول خود را برای فعالیت انتخاب نماید. اگر چه مجاهدین امروز از درک چنین سائلی و از گردن نهادن به چنین حقوقی فرسنگها فاصله گرفته‌اند ولی جنبش انقلابی خلق کرد برخلاف تصور و برنامه و عملکرد مجاهدین، بر چنین دستاوردهایی نه تنها افتخار می‌کند، بلکه با تمام وجود موجودیت خود صمم به حفظ و تحکیم و پیروز نمودن چنین اصولی در مقابل هرگونه حرکت

تحمیل بگیرد که می‌خواهد در روابط سازمان مجاهدین بماند یا خیر. اعمال تهدید و اجبار از سوی مجاهدین و بازداشت نامبروه که تحت‌الحفظ پیشمرگان ما به آنجا مراجعت نموده بود، نه تنها توهینی به حق آزادانه تعیین راه و مسیر فعالیت آنی خسور از سوی فرد مذکور، بلکه هت حرمت نسبت به سازمان محسوب می‌گشت.

در این میان آنچه که اهمیت دارد و باید درس‌گیری برای امثال مجاهدین خلق باشد، ضرورت اجتناب از هرگونه برخورد ضد دمکراتیک در محدوده جنبش انقلابی - دمکراتیک خلق کرد است که ما خود را قیاساً ملزم به حفظ و دفاع از دستاوردهای تکنوسی آن می‌دانیم. دستاوردها و اصولی که بیش از شش سال مبارزه خونین برای تحکیم و پیروزی آنها در کردستان انقلابی به پیش برده شده است و هم چنان با قدرتی هر چه حاضر در جریان است.

سازمان مجاهدین که اینک نه تنها در عرصه برنامه‌ای، بلکه در عرصه برخورد‌های سیاسی و عملی خود نیز هرگونه اصول و پرنسپ انقلابی را به کناری نهاده و در تدارک دیکتاتوری جدیدی تحت عناوین مختلف است، نه تنها خواب تصرف ماشین حاضر و آماده سرکوب ارتجاعی و سرکراتیک برروازی ایران را به کور خواهد برد، بلکه از همین امروز نیز هر گامی که در جهت اجرای برنامه ارتجاعی خود و در جهت محو و پائمال نمودن حقوق دمکراتیک و مسلم در درون جنبش انقلابی بردارد، عکس العمل شدید نه تنها ما بلکه کلیه نیروهای انقلابی مواجه خواهد گشت.

هرگام جنبش کنوسی یا خون دها هزار نفر از فرزندان کارگران و زحمتکشان هموار شده است و امروزه، بویژه در جنبش انقلابی خلق کرد، بر هیچ کس پوشیده نیست که برای حفظ و تحکیم وضعیت دمکراتیک کنوسی چه بهای سنگینی پرداخته شده است و جنبش کنوسی با تمامی دستاوردهای آن چه آمل و اهدافی را دنبال می‌کند آمل و اهدافی که فرسنگها از اهداف نیروی همچون مجاهدین فاصله دارد. جنبش انقلابی خلق کرد، امروز از ستهای دمکراتیک شناخته شده‌ای

ضد دمکراتیک، سرکوبگرانه و ارتجاعی نیز هست. پشت سر این سنت‌ها، اراده محصور و رتند جنبش انقلابی توده‌های زحمتکش خلق کرد ایستاده است، اراده‌ای که حقانیت خلق نازد پسر خود را در طول شش سال گذشته به نحو احسن به اثبات رسانده است. و مبارزه بی‌امان و روبه گسترش و حاد امروزی و چشم‌اندازهای پیروزنده این جنبش همه و همه شاهد بر قید و شرط این مدعاست. امیری که مجاهدین خلق و امثال آنان قادر به درک آن نبوده و نیستند، فقط مجبورند در مقابل چنین اراده‌ای زانو بزنند.

انفجعه!

چند خبر از سنج

شده، و مزدوران رژیم فاش شده
مجبور به ترک محل می‌گردند



در بازدهم تیرماه، طی یک اقدام ارتجاعی مزدوران شهرانی شهر سنج، با محاصره خیابان فردوسی، بساط دست‌فروشیای کنار خیابان را برچیده و به چنان مردم و دست‌فروش‌های بیگوار این خیابان می‌افشند و تمامی صاقل دست‌فروش‌ها را به فشارت برده، هرگونه امکان جدر کار و کاسبی بخور و نیمر آنها را از میان می‌برند.



در نیمه دوم تیرماه نیز در محله "شرف‌آباد" تعدادی از مزدوران جوانی را مورد حمله قرار داده به ضرب و شتم و شکنجه و آزار و دست‌می‌زنند. این مزدوران جوان مذکور را به حدی شدید مورد ضرب و شتم قرار می‌دهند که بلا فاصله بی‌هوش می‌شود و سپس با قساوت تمام او را با شال خود بر روی زمین می‌کشند. ایمن عسل درمناشه مزدوران رژیم اعتراض و وسیع و خشم و آتشجار اهالی محل را برمی‌انگیزد که با فریاد مرگ بر رژیم جمهوری اسلامی به سوی مزدوران حمله می‌شده، و جوان یاد شده را از چنگ این جنایتکاران ارتجاعی نجات می‌دهند.

نگاهی به

مبارزات توده‌ای...

وحشیانه ترین حربه ها، اذیت و آزار و ضرب و شتم پیرو جوان به آتش کشیدن خانه ها و مزارع، دستگیری و زندان، گیسر لهر، خمپاره باران روستاها، هیچکدام قادر به مقابله یا نیروی اراده و عزم محض زحمتکشان خلق نرد نیستند.

رژیم جمهوری اسلامی برای متکوب ساختن مبارزات مردم کردستان در مشاغل ترین شیوه های سرکوب را به کار بسته است و هر روز در هر گوشه از کردستان دهها جنایت فحیح آفریده است. مزدوران رژیم طی یورش به روستای گلان گانی در منطقه ارومیه به طرز ناگهانی خانه و گاشانه زحمتکشان را به زور بولدور گرفته و وحشیانه بدون حتی کوچکترین فرصتی به ساکنین آن، که بتوانند وسایل زندگی محترشان را جمع آوری نمایند، دست به تخریب و ویران کردن آنها زدند و کودک و پیر و جوان را آواره نمودند.

مزدوران رژیم به روی اهالی روستای "شم ته گان" از روستاهای منطقه ارومیه که دست به اعتراض علیه توپ و خمپاره باران خانه هایشان زده بودند، آتش گشودند و به بهانه جلوگیری از حرکت پیشمرگان انقلابی در مسیر تردد زحمتکشان همین گذاری کردند. مزدوران رژیم با حمله به روستای "قوله سدیری" در منطقه باوار سر دشت برای کشتادن اهالی به درون پایگاه مزدوران بدون توجه به اعتراض زحمتکشان به ضرب و شتم آنها پرداختند و دست و پای چندین نفر را شکسته و یک زحمتکش معترض را در جلو چشمان به زور اقوام و خویشاوندانش گلوله باران نمودند و در پایتخت خشم و نفرت اهالی، آنان را به گلوله بستند و یک نفر دیگر را نیز در خون خود غرقه ساختند.

مزدوران رژیم زحمتکشان روستای "کوت خان" از توابع پیرانشهر را که از ترس بهاران در طی روز روستا را ترک و به کوههای اطراف پناه برده بودند، به هنگام بازگشت مورد یورش قرار

داده به اذیت و آزار آنها پرداختند. و در روستاهای ناصر آباد، گونجدرین و لوشان در منطقه ارومیه را به بهانه اینکه قادر به کنترل آنها نیستند ویران ساختند.

طی این سه ماه نزدیک به ۳۶ تن از اهالی بی دفاع روستاهای کردستان توسط مزدوران رژیم در خون خود غلطیده و دهها نفر دستگیر و خانه و گاشانه دهها زحمتکش روستاهای کردستان ویران گردیده است. آنها تنها جلوه‌هایی از شیوه ها و تالیف سرکوبی است که به طور روزمره علیه توده های انقلابی خلق کرد به کار بسته می شود. رژیم برای تحقق هر کدام از سیاست هایش در کردستان نظیر مبارزات چریکی، تسلیح اجباری اهالی روستاها، اخاذی مالی از زحمتکشان، استقرار پایگاههای نظامی، برقراری خوارهای اسلامی، تخلیه و تخریب روستاها، بیشترین نیروی سرکوب را متحرک ساخته و خشن ترین شیوه ها را اتخاذ نموده است. اما همانطور که روند مبارزات کارگران و زحمتکشان خلق کرد نشان می دهد در کردستان انقلابی ناگزیر و شیوه های مختلف سرکوب رژیم کارایی خود را از دست داده اند.

با این وجود، تا زمانیکه مبارزه انقلابی توده ها بنیان حاکمیت جمهوری اسلامی را از ریشه بر نهد، این توده های سرکوب شده دست نرفته و مدام می کوشد تا ضربه های بیشتری به جنبش توده های کردستان وارد آورد.

سیطره انقلابی مبارزات توده های در کردستان بیش از پیش عیث بودن تلاش های بی فرجام رژیم را به اثبات می رساند و نشان می دهد که مبارزات مردم کردستان با ضامن طبقاتی مشخص و عینی یابی هر چه بیشتر در هر گام استحکام بیشتری یافته است.

در طی حرکات توده های انجام شده، غالباً اعتراضات و مقاومت های دسته جمعی از یک عکس العمل واکنشی ساده شروع و تا حرکت های گسترده و زور و خورده های وسیع مصلحتی ارتقاء یافته است. معمولاً شکل هر حرکتی را زمینه های مادی و موقعیت عینی توده های معترض تعیین می کنند. از همین رو نیز متناسب با زمینه های مادی ما

شاهد شکل گیری حرکت های محدود و کم دامنه و یا وسیع و پر دامنه در مبارزات انقلابی توده ای هستیم.

علیه سیاست مبارزات چریکی اجباری

تسلیم اجباری

به دنبال اینکه سرکوبگران جمهوری اسلامی طی اسفند ماه، در توحی شمالی کردستان به منظور تحمیل سیاست تسلیم اجباری به اهالی روستاهای قلعه زرد، "چه ریشی"، "آخ ویران"، "آیناوک"، "و چهارستون" و "ماج راج" فشار وارد آوردند، مروج اعتراض وسیعی در بین اهالی روستاها برانگیخته شد.

زحمتکشان تا وادار ساختن رژیم به عقب نشینی از اجرای این سیاست ضد خلقی دست اعتراضات خود برنداشته و به اشکال مختلف تنفر خود را از اجرای این سیاست ابراز نمودند.

مزدوران ابتدا طبق معمول و روش همیشگی اذیت و آزار اهالی را در پیش گرفتند. سپس با تهدید به تخلیه چند روستا و تخریب آنها درمورد به تسلیم کشیدن روستائیان برآمدند.

زحمتکشان با مقاومت دسته جمعی از تن سپردن به این سیاست مبارز زده و با صراحت به عوامل رژیم اعلام کردند "ما حاضر به برداشتن اسلحه رژیم نیستیم". آنان برای گسترش اعتراضات خود به صورت دسته جمعی به شهر سلیمان و مراکز قدرت رژیم مراجعه نمود و علناً علیه سیاست های ارتجاعی رژیم به شعار دادن پرداختند.

همچنین به روستاهای "چه نکه سه"، "سیوه ده" و "وریک" که قبلاً نیز سرکوبگران رژیم دست به تهدید و آزار آنها زده بودند مورد حمله وحشیانه مزدوران قرار گرفت. اما این وحشیگری ها در روحیه اعتراضی توده های اهالی بی تاثیر نبود.

در پیست و دیم فروردین ماه، هنگامی که مزدوران به اهالی روستای "تسه سه" برای تسلیم شدن در برابر سیاست مبارزات چریکی اجباری فشار آوردند، اهالی بطور دسته جمعی تصمیم گرفتند تا برای آبراز اعتراض مستقماً به خود پایگاههای رژیم مراجعه نمایند.

نگاهی به

مبارزات توده‌ای...

دست خالی و سرانگشته روستا را ترک کردند.

مزدوران رژیم که درمانده و زمین در مقابل نیروی زحمتکشان وادار به عقب‌نشینی شده بودند، تلاش‌های تازه‌ای را از سر گرفتند و کوشیدند تا با تسلیح روستائیان به نحوی دیگر آنان را تابع سیاست‌های ضد خلقی خود نمایند. رژیم با استفاده از عناصر فرصت طلب و عده‌ای خائن توانست تنها در روستای پیر خیران عده‌ای را مسلح نماید. اما اهالی روستاهای منطقه از جمله "ول"، "کلیه"، "سورکه ول"، "مولینسان"، "لاویسان"، "جاوایسان"، "بنیر"، "برده سی"، "مام‌واله" و "بلجه سور" با هوشیاری انقلابی نقشه‌های رژیم را نقش بر آب کرده، دست به اعتراض دسته جمعی می‌زنند و رژیم وادار به عقب‌نشینی می‌گردد.

مزدوران پایگاه سورکه ول به دستور فرماندهان ضد خلقی حین تردد اهالی روستا را هدف گلوله قرار می‌دادند.

زحمتکشان برای حفظ جان خود و فرزندان شان ابتدا تجمع نموده و سپس به طور دسته جمعی به سمت پایگاه مزدوران به حرکت درمی‌آیند.

این حرکت اعتراضی مورد حمایت اهالی روستای پیر خیران قرار می‌گیرد. روستائیان خواستار تعویض فرمانده پایگاه می‌گردند که در مقابل، مزدوران قبضول سیاست‌های ارتجاعی رژیم را از آنها طلب می‌کنند که باز هم اهالی ضمن اعتراض حاضر به تسلیم نمی‌شوند.

در منطقه سنندج که رژیم به ضد دستگیری جوانان شبها روستاها را محاصره خود کرده می‌آورد در اثر هوشیاری انقلابی زحمتکشان در حد ناچیزی توانست به اهداف خود دست یابد. این در شرایطی

اولین پایگاه با بی‌تفاوتی در صدور تخطئه می‌آید. اما زحمتکشان بر خواست خود پای فشرد و به سمت پایگاهی دیگر به حرکت درمی‌آیند. اینبار یک ستون لغزانی مانع حرکت آنها می‌شود. اما صانعت مزدوران توانست روحیه اعتراضی مردم را تضعیف نماید.

در حرکات توده‌ای انجام شده که عمدتاً با عقب‌نشینی مزدوران رژیم خاتمه یافته، هیچگونه عنصر منززل و تردید در رفتار اهالی معترض مشاهده نمی‌گردد. آنها عصبانه برخورد خود مصر بوده و مخالفت آشکار خود را با سیاست‌های ارتجاعی رژیم به نمایش گذاشته‌اند.

به دنبال اعتراضاتی که در شمال کردستان انجام گرفت، در مناطق جنوبی نیز رژیم با توسل به سیاست سرکشیگری اجباری کوشید تا بهر نحوی از اتحاد اهالی روستاها را در برابر خود به تکین وادارد.

در اولین روزهای بهار امسال رژیم به روستاهای اطراف پیر خیران نظیر "المانه"، "گولانه"، "انجمنه"، "درگا شینان"، "سروآباد"، "گورگه ای"، "قلعه گاه"، "قلعه چي"، "تازه آب" و "تغلی" و "نخان" یورش آورد.

مزدوران رژیم با اذیت و آزار اهالی روستاها تقاضای می‌کردند تا جوانان را به آنها تحویل دهند. در هیچکدام از روستاهای فوق‌الذکر اهالی در برابر این خواست مزدوران سکوت ننشستند و با بلند کردن صدای اعتراض خود مخالفتشان را ابراز نمودند.

هنگامی که رژیم اقدام به دستگیری عده‌ای از جوانان کرد، زحمتکشان با مداخله و گسترش اعتراضات خود از اقدام رژیم معانعت به عمل آوردند. حتی به روستای "انجمنه" رژیم چهار بار یورش آورد. ولی هر بار زحمتکشان بر حرف اول خود پای فشردند که "ما حاضر به دادن سرباز برای رژیم نیستیم". بالاخره اذیت و آزار مردم به مزدوران تنجه‌ای نداد و آنان

بود که علاوه بر انگار رژیم به جاسوسان محلی اینگونه اقدامات همواره توان با اعمال بدترین فشار و اختناق بوده است.

در پی ورشکستگی سیاست‌های رژیم اهالی روستای "آخ‌کند" از منطقه سقز و اهالی روستای "پهوران" از منطقه سردشت که تحت فشار تسلیم شده بودند، نیز طی حرکت‌های اعتراضی تصمیم به پیگیری دادن سلاح‌ها به رژیم می‌گیرند. رژیم اهالی روستای "آخ‌کند" را تهدید به سوزاگیری اجباری نموده و روستای "پهوران" را به زیر آتش توپ و خمپاره گرفت. با این وجود اهالی همچنان بر خواست خود پای فشردند.

در منطقه ربط رژیم شیوه‌های دیگری برای اجاب اهالی به کار بسته است. در اطراف روستای "نستان" پایگاه نظامی مستقر نموده و با زور از مردم خواسته است تا اسلحه رژیم را بپردازند و در برابر مقاومت آنها به سوزان تیراندازی نموده و روستا را با سیم خاردار محصور نموده است تا تردد افراد را محدود نماید.

هیچکدام از این حربه‌های کهنه شده توانست مردم را به تسلیم وادارد. سرانجام نیز وقتی که فرمانده مزدوران تهدید کرد که با "اسلحه" رژیم را بپردازید و یا روستا را تخلیه کنید، زحمتکشان روستا به خاطر تن ندادن به تسلیم، خانه و گشاته خود را رها ساخته و آواره مناطق دیگر شدند.

طی سردار ماه رژیم کوشید تا با تأسیس پایگاه‌های جدید در منطقه سردشت اهالی روستای "باساوی" را به تسلیم در برابر تسلیح اجباری وادار نماید که در اولین قدم با مقاومت شدیدی اهالی روستا روبرو می‌گردد.

اهالی روستاهای "سرجنار"، "قاغ‌کنیدی"، "سه‌وزی"، "غوث‌آباد" و "خطائسی" با مقاومت در برابر فشارهای رژیم برای تسلیح اجباری تن به تسلیم ندادند.

رژیم در منطقه "شارویران" مهاباد دست به تشکیل شواهای اسلامی زد تا با ایجاد

پیروزباد مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران

نگاهی به

مبارزات توده‌ای...

ارگان‌های قریب و جانشینان تکه‌تکه‌های مناسبتی برای پیشبرد حرکت‌های ضد خلقی اثر در منطقه فراهم آورد.

کمیته اقدامات رژیم که در روستای "دول‌نخان" در منطقه مهاباد به عمل آورد تا سیاست تبلیغ اجباری را پیش ببرد تا کاملاً مانده.

رژیم پس از شکست‌های پی‌درپی و در آن اتمسفرال و درماندگی برای تبلیغ روستای باغلوچه در منطقه سقز ابتدا زحمتکشان را دستگیر و پس از ازیست و آزار از قسط هراس، سلاح بدین سوزن به آنها تحویل می‌دهند. مزدوران رژیم بعد از اعتراضات و مقاومت‌های مردم آنان را به گلوله می‌بندند و اهالی برای مقابله با سیاست‌های رژیم روستای خود را تخلیه و آواره می‌گردند.

در ماه‌های اخیر علاوه بر اعتراضات گسترده‌ای که علیه سیاست آزار و اذیت و علیه سیاست تبلیغ و سوازیگری اجباری صورت گرفته، در جریان مبارزان شهرهای کردستان موجی از تظاهرات و اعتراضات ضد جنگ و ضد رژیم شهرهای پیرانشهر، سنندج، کرد، غرب، شهر ربط و

از صفحه ۲۷



خلق کرد پیروز است

مختصانه، یورش رژیم منجر شده است.

در این ماه پیشمرگان ۱۴ بار به کمین‌گذاری در محل تردد مزدوران رژیم در جاده‌های مختلف و کنترل جاده‌های اصلی نتواند جاده اورمیه - تهران، جوانسرو - کرمانشاه، سردشت - پیرانشهر، سقز - سنندج و سنندج - سرپان، پرداخت و طی آنها ضربات میلیتی بر مزدوران رژیم وارد آورده‌اند. ۱۵ مورد دست به کمین‌گذاری

یکسری از روستاهای صری را نیز فراگرفت.

در این اعتراضات خواستهای کارگران و زحمتکشان که در شعارهای آنان تجلی یافته بود، به گونه‌ای دیگر نشان داد که در کردستان انقلابی رژیم جمهوری اسلامی علیرغم همه نیرو و امکاناتی که به خدمت گرفته، تاکنون بر او گذشت ۶ سال نه تنها نتوانسته است گامی در جهت تثبیت حاکمیت تجلی خود بردارد بلکه شدیداً مورد تنفر توده‌های مردم قرار دارد.

در این سری اعتراضات و مقاومت‌های توده‌ای که تنها گوشه‌ای از حرکت جنبش انقلابی خلق کرد را نشان می‌دهند، می‌توان واقعیت ارتقا کیفی و تکامل روند مبارزات توده‌ای را علیه حاکمیت متحرکه جمهوری اسلامی مشاهده نمود. رژیم برای پیشبردن سیاست سرکوب و درهم شکنیدن اراده‌های زحمتکش و منکوب‌نودن خواستهای برحق آنان موزرانه به هر تاکتیک و شیوه‌ای، توسل می‌کرد. اما در واقعیت عینی نیز مبارزات توده‌ای علیرغم تحمل ضربات، بازهم با تغییر اشکال و تاکتیک‌ها راه خود را از میان محدودیتها و سختیها باز می‌کنایند.

اگر چه اعتراضات توده‌ای در کردستان طی ماه‌های اخیر عمدتاً به صورت واکنشی در برابر حرکت مشخص سرکوبگرانه رژیم صورت گرفت و به طور خودبخودی به صف‌آرایی و تقابل قهرآمیز

با مزدوران رژیم کشید، لیکن گرایش عمومی حاکم بر آنها اهداف و مقاصد مشخص را دنبال می‌نمود. اهدافی که از تعمیم خواست‌های مرحله‌ای جنبش ریشه گرفته است و جهت تمیز یکسان را به سمت سرنگونی رژیم برچیدن بساط ارگان‌های سرکوبگر و ماشین دولتی حاکم قرار داده است.

بهرحال آنچه که از بررسی مختصر مبارزات توده‌ای مردم کردستان طی سه ماه گذشته می‌توان نتیجه گرفت، این است که مجموعه حرکات و اعتراضات توده‌ای انجام شده در حین برخورداری از یک محتوی و مقصود انقلابی مشترک و جهت و اهداف واحد، عمدتاً به شکل پراکنده صورت گرفته و متناسب با ویژگیهای محلی هماهنگی و پیوند لازم بین اشکال و حرکات مبارزاتی انجام نشده و وجود نداشته است.

اخبار مبارزات شهرها و روستاهای کردستان بیانگر این واقعیت است که در این مرحله خطیر از سرنگون جنبش انقلابی توده‌های مردم از پتانسیل مبارزاتی بالایی برخوردار بوده و قابلیت فراوانی به اشکال پیچیده‌تر و مقصود عالی‌تر مبارزه را دارا هستند. از همین رو چشم‌انداز کنونی نشان می‌دهد که مبارزه توده‌ای در روندی روبه‌رشد، پیشرفته‌ای تعیین‌کننده‌ای را در جنگ انقلابی کردستان برعهده خواهد داشت و درمیان تحولات انقلابی با وقتی سنگین‌تاثیرات خود را بر جای خواهد گذاشت.



استقاد و استقاد از خود بشیوه کمونیستی

منشور

از انتشارات کهنه کردستان سازمان چریکهای فدائی خلق ایران



حمید اشرف...

درگیری با ساواک و دیگر مزدوران
سلج رژیم، حلیه های خونین
افزیدند. آنان تا آخرین
گلوله های خود شجاعانه به
نیروی انقلابی پرداخته و ضمن
به هلاکت رسانیدن شماری چند از
چریکهای گران، سرافرازانه در راه سرخ
آمان های والای طبقه کارگر جان
باختند و هیچکدام زنده به دست
مزدوران نیافتادند.

طی این درگیری خونین و
تابناک، رفیق حمید اشرف
یکی از برجسته ترین رهبران سازمان
چریکهای فدائی خلق ایران،
به همراه تنی چند از هم
سنگرانش رفقا، هدف تانک خشک
بیجاری، عبدالرضا لایق مهربانی،
رضا پشیری، قاضی حسینی،
محمد حسین حق نواز، طاهره
خرم، علیرضا حسینی، ابهره،
محمد مهدی فوقانی، غلامعلی خراط،
پرو و علی انور و دیگری به
شهادت رسیدند.

رژیم آریامهری پراز این
درگیری، از دستگاههای مریض
و طویل خود به تبلیغات وسیع
و گسترده ای دست زد، و مذبذبهانه
تلاش نمود که چنین وانمود
کند که بر دشمنان پرخست و
مقاوم خود قاطع آمده است و
به عبت سعی داشت تا آنها پایان
زندگی پر خروش و حماسه
آمیز فدائی خلق قلمداد کند.
ضمیمه، اگر چه سخت و هولناک
بود اما، تبلیغات چریکهای رژیم
هیچ طرفی از کراهت کوتی های
خود نیستند. واقعیت این بود
که فدائیان خلق در دل کارگران و
زحمتکشان جای خود را باز کرده بود
و مبارزه خونین و سترگشان
بر حیات اجتماعی کلبه مبارزین
در پهنه مبین اشراک تکان
دهنده و انقلابی و به ویژه
روشنگرانه خود را برپای
گذاشته بود. مبارزه خونین
و بیامانی که بذران در جنگ های
سیاهگل افشاند شده بود، طی
گذشت ه سال با خون سرخ دها
فدائی آبیاری شده و در دل
جامعه ریشه دوانده بود و در کوران
سخت مبارزه به آفتاب درخت
تنومند و سبزی تبدیل
شده بود که نه تنها دستگاه
سرمکوب و تبلیغ رژیم شاهنشاهی،

بلکه هیچ نیروی قادر به
درهم شکستن و نابودی آن نبود.

رفیق حمید که در مقطع
رستاخیز سیاهگل مسئولیت ارتباط
تیم شهر و کوه را به عهده داشت،
پس از ضربات سال ۵۰ که سازمان
دچار مشکلات سخت و جان فرسائی
شد با عزمی استوار و آهنین
به ترمیم و بازسازی تشکیلات
پرداخت و با تلاشی بی گیر
و همه جانبه، با اتکا به قدرت
شکستناپذیری خود، سازمان را از
فروپاشی نجات داد. او که به نقش
اهمیت سازمان در جنبش انقلابی
آگاهی داشت و ضرورت ادامگه
و بقا را در آینده، با تمام
یک تشکیلات کونیستی، با تمام
وجود درک نموده بود، در مقابل
دشواریها، به استواری کوهی ایستاد
و با جسارت کونیستی دشمن
شغلت وضعیت مشخص و بیخ و خم
های آن، شرایط لازم را برای
پیشبرد حرکت سازمان مهیا
می نمود.

رفیق حمید، این قهرمان
مقاومت و پایداری، طی بیش از
سیزده سال، فعالیت مبارزاتی
خود، عالی ترین خصائص و
قابلیت های انقلابی را در خود
پرورش داده بود و به یک انقلابی
بی نظیر، سازمانگری کاروان و
ورزیده تبدیل شده بود. او در
زندگی انقلابی نمونه بارز
یک انسان طراز نوین بود،
در حالیکه از دشمنان خلق کینه ای
سخت و سنگین در دل داشت،
به کارگران و زحمتکشان عشق عمیق
می ورزید. در عرصه تشبیری
مهم و خستگی ناپذیر، بر موازین
و اصول اعتقادی سازمان پای می نشاند
و محک صحت و درستی مفاهیم
مارکسیسم-لنینیسم را برانگیختنی
و واقعی می دانست. او نسبت
به افراد مرددی که در نیمه راه
از خود ضعف و تزلزل نشان
می دادند، و یا کسانی که در
حرکت مبارزاتی پرنسب های
انقلابی را رعایت نمی کردند،
برخوردی قاطع و بی رحمانه
می نمود، و مدافع جدی نظم
انقلابی و کونیستی تشکیلات بود.

رفیق حمید در برخورد با
پلیس، تیزبین و هوشیار بود و
در اتخاذ تاخت و عکس العمل
به موقع و مناسب، ابتکار و خلاقیت
در خور ستایشی داشت و از این
رهگذر توانسته بود ۱۶ بار تور
پلیس را شکسته و از محاصره
مزدوران جان سالم بدر ببرد.

براساسی رفیق حمید اشرف
فدائی کهنه خلق، انسانی از
سروشت صوفیه بود. یادش گرامی
و رزمش پایدار.

امروز که ۹ سال از شهادت
رفیق حمید می گذرد، در شرایطی
یاد او و همزمان او را گرامی
می داریم که سازمان ما در ادامه
راه سرخ و خونین این رفقا، پس از
پشت سر نهادن ضربات متعدد در
طول حیات خونبار خود با یک
پشتوانه و اعتبار توده ای به
بزرگترین سازمان کونیستی سراسری
تبدیل شده است و از سوره تسرو
سخت کوشش تر از پیش و با به کارگیری
کلیه تجارب مبارزاتی جنبش
انقلابی، با گام های هرچه استوارتر
در جهت سازماندهی طبقه
کارگر ایران و توده های انقلابی،
برای سرنگونی رژیم ارتجاعی
جمهوری اسلامی به پیش می رود.
رژیم ارتجاعی و فاسد جمهوری
اسلامی، به رغم ادامه شیوه های
ضد انقلابی، املاف شاهنشاهی
خود و سرکوب خونین و عتبان کسوف
کونیست ها و توده های انقلابی
به پا خاسته، هرگز نتوانسته و
نخواهد توانست سدی در مقابل
ادامه بی وقفه مبارزات انقلابی
و بی امان سازمان چریکهای فدائی
خلق ایران ایجاد کند. و امروز که
در یکی از بحرانی ترین دوران
حیات جامعه ما، مبارزات انقلابی
توده ها و در راس همه، طبقه کارگر
ایران، هر روز عمق و گسترش
بیشتری می یابد و بر بنسب
بحران اقتصادی - سیاسی موجود
توده های انقلابی هر روز بیش از
پیش به مبارزه آشکار و علنی روی
می آورند، و دور نیست روزی که
طوفان خشم و کینه کارگران و
زحمتکشان آفتاب حریفی بپا کند
که رژیم فاسق ارتجاعی جمهوری
اسلامی در آتش شعله های آن
به تلی از خاکستر تبدیل شود.
وظیفه سنگینی بر دوش سازمان
ما به عنوان یگانه مدافع منافع
طبقه کارگر در جنبش صوموسی
توده ها قرار گرفته است. بگوئیم
در هر کجا که هستیم با قوت
به این وظیفه تاریخی سازمانمان
در جنبش کونیستی، با استواری
تمام به وظایف انقلابی خود عمل
کنیم، همانگونه که رفیق حمید -
پسندان عمل کرد.



★ گرامی باد
یاد شهدای
تیرماه

یاد جان باختگان نیروماده
فداایان خلق مبارزان خمینی
- نایبیر رهائی کارگران و
معتکشان و خلقهای سراسر
ایران، سلحشوران پاک باخته
که با اراده و عزم آهنین خود
سرک را تحقیر نمودند و وحدت
و هراس بر دل مستکبران و
سوکو بگران خلقهای سراسر ایران
آفرینند. رفقا :

- کاظم قهرائی
 - محمد علی خسروی اردبیلی
 - نستون آل آقا
 - گلرخ مہدی
 - نایعلی پور نغمہ
 - مارتیک قازاریان
 - نزہت السادات رمی آہنکران
 - فلا معلی پور نغمہ
 - محمود عظمی بلوریان
 - پیر اللہ زارع کارینی
 - دکتیر نورمحمد
 - محمد رضا قصاب آزاد
 - علیرضا الطایی
 - سعید فرزاتہ
 - حمید آریان
 - بہزاد امیری روان
 - افروز السادات حسینی
 - نادرہ آئندہ ہاشمی
 - سہیل توکللی
 - علی خصوصی
 - کاظم سلاجی
 - احمد خرم آبادی
 - اکبر حق بیان
 - خسرو مائی
 - شفیع رضائی
 - نادر آبادی
 - علی اکبر حیدریان
 - یوسف قانع خشک بیجاری
 - غلامرضا الاہق مہربانی
 - رضا پیشہی
 - فاطمہ حسینی
 - محمد حسین حق نواز
 - طناہرہ خیرم
 - عسکر حسین آبڑہ
 - محمد مہدی فوقانی
 - فلا معلی خراط پور
 - علی اکبر وزیر
 - رفیق کبیر محمد اشرفی
 - کرامت باد

در آتش زدن روستاهای شمال
کردستان، چهره کریم
جمهوری اسلامی را چهره پهنتر
آفتاب نموده و به هر وسیله
ممکن و با تمام قوا علیه
سیاست ارتجاعی به آتش کشیدن
روستاهای مقاوم کردستان توسط
مزدوران رژیم جمهوری اسلامی
به مبارزه برخیزند. و از کارگران
و زحمتکشان خلق کرد و دیگر
خلقهای سراسر ایران می‌خواهیم
که به هر طریق ممکن فریاد
اضراس خود را علیه این دزدشی
رژیم در کردستان بلند نموده،
با تشدید مبارزات خود، امکان
انجام چنین سیاستهایی را از رژیم
جمهوری اسلامی سلب نمایند.

به دفاع برخاسته اند و هرگز تسلیم خواست های امپریز رژیم نخواهند شد.

داخل شهرهای کوردستان
داشته اند.

در طول يك ماه گذشته پیشمرگان
خلق کرد. مجموعاً شش پایگاه رژیم
را تسخیر و مزدوران مستقر در
این پایگاهها را خلع سلاح و اسیر
یا بهلاکت رسانده اند. همچنین
پایگاههای مستقر در روستاهای
غذایی پیروز و تاور بانی
روشنه دی و کونای پایگاه
و مقر مزدوران در تاور ملا و
پایگاه کورچه در بویله
سارال که بعد از تسخیر
تمام تاسیسات نظامی آنها
منهدم گردیده است. پیشمرگان
خلق کرد علاوه بر تسخیر شش
پایگاه فوق الذکر ۱۸ بار به
پایگاههای مختلف رژیم در طول
يك ماه گذشته حمله نموده و در
هشت مورد تاسیسات مهم رژیم
را منهدم ساخته اند.

هم چنین در ۳۷ مورد
پیشمرگان به مقابله با پورشهای
مزدوران پرداخته اند که در
بسیاری از آنها هرچون پیرویش
رژیم به روستاهای ننگاش
تپله کور و قشیری
سول و
ده ره بیان شیخ و علیسات
منطقه الان سردشت، به شکست
در منته ۲۴

خلق کرد پیروز است
جدول يك ماهه
عملیات پیشمرگان
خلقی

هم جمهوری اسلامی و سیاست های
آن در کوردستان عمل میکنند.

جدول زیر نموداری از
تحرک يك ماهه پیشمرگان خلق
کرد است که در مقابله با ماههای
قبل بیانگر، تحرک نسبتاً
پسای پیشمرگان در این ماه و
در فروکش صوقت درگیری های
فیما بین حزب دمکرات و کومه له
است.

در طول يك ماه گذشته،
پیشمرگان قهرمان خلق کرد بیش از
۱۰۹ مورد عملیات مهم از کمین
و کنترل جاده های اصلی،
مین گذاری در جمل های تردد
مزدوران رژیم، مقابله در برابر
پورشهای نظامی و حمله به
پایگاهها و خلع سلاح آنها و حمله
به مراکز مزدوران رژیم در

وقه کوتاهی که از کاهش
شدت درگیری حزب دمکرات و
کومه له در يك ماهه اخیر،
به وجود آمده و بهلافاصله
تأثیرات خود را در تحرک پیشمرگان
هر دو نیرو در مقابله با مزدوران
رژیم جمهوری اسلامی، و تعداد
حاصلات رژیم، این فرزندان
جسور خلق کرد به دشتستان و
سرکوبستان جنبش انقلابی
در کوردستان آشکار ساخت. هرچند
درگیری های این دو نیرو بطور
پراکنده و موضعی ادامه داشت
و مهم تر از همه فضای حاصله از
تداوم آنها، هرگونه تحرک
قابل ملاحظه ای را در مراکز
کوردستان تحت الشعاع قرار
داده است، اما همین کاهش
داشته درگیری ها نیز بهلافاصله
تأثیرات مهمی این درگیری ها
بر روند کنونی مبارزه مسلحانه
حلیه رژیم را به نمایش گذاشت.
در این ماه تحرک پیشمرگان
به مراتب گسترده تر از ماههای
پیش بود. این امر تأکیدی
بمسدود پر این واقعیت
آشکار ناپذیر بود، که ادامه
این درگیری ها تا چه حد
تأثیرات زیانبار در جنبش کنونی
بر جای گذاشته و چگونه به نفع

غنائیم بدست آمده

۱۳۸	جنگ افزار انفرادی
۱۷۰	انواع نارنجک
۹	بی سهم
۵۱۳۹۸	انواع فشنگ
۵۲۹	خشاب
۱۵	جنگ افزار سنگین و نیمه سنگین
۲۰۵	گلوله اسلحه سنگین و نیمه سنگین
۴۹	بهره ستن قریب خوردگان

آمار این جدول عمدتاً از
اخبار رادیوهای حزب دمکرات
و کومه له برگرفته شده است.

تلفات دشمن

۸۱۴	کشته و زخمی
۴۳	اسرای دشمن
۳۵	خود رو منهدم یا معادله شده
۱	سلاحهای منهدم شده
—	مهمات منهدم شده

جدول يك ماهه
عملیات پیشمرگان
خلقی

۲۷ خرداد ۲۷ تیر

عملیات پیشمرگه

۱۴	کین و کنترل جاده
۱۵	مین گذاری
۳۷	مقابله در برابر پورش رژیم
۱۱	حمله به مراکز رژیم در شهرها
۶	خلع سلاح پایگاه
۸	معادله و انهدام تاسیسات
۱۸	حمله به پایگاهها
۱۰۹	جمع

۴۳	شهادت پیشمرگه
۲۴	شهادت اهالی بی دفاع

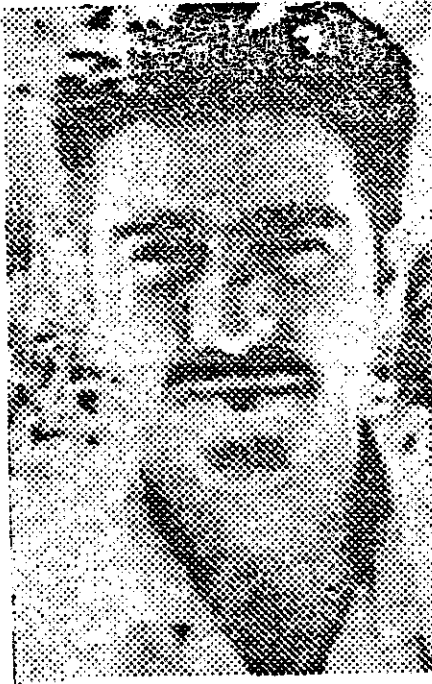
سهرکه و توبی بزوتنه و دهی شورشگیرانه ی گه لی کورد

گرامی باد خاطره

رفیق کبیر

حمید اشرف

و دیگر شهدای ۸ تیر



هشتم تیر ماه سال ۱۳۵۵ ازیم
ضد خلقی شاهنشاهی، با بسیج
گنبرده نیروهای سرکوب خود
و استقرار آنها در منطقه
و سیاهی از مهاباد تهران پایگاه
رفیق حمید اشرفی و همسران
او را به محاصره درآورد. دلاوران
فدائی در مقابله انقلابی با
سزودوران جیره خوار رژیم،
قهرمانانه به مقاومت پرداخته و
همچون کوه، استوار و پرملاست
ایستادند و ضمن صافت هم
در صفحه ۲

سنت های دمکراتیک در کردستان

و

دمکراسی به شیوه مجاهدین!

در اواخر خرداد ماه
گذشته، سائلی پیرامون برخورد
به اسیر رفت و برگشت نیروها بین
تشکیلات کهنه کردستان سازمان و
مجاهدین خلق پیش آمد و منجر
به برخورد هایی گشت که
ضروری است، این امر بیه
اطلاع عموم بوده های زحمتکش
خلق کرد و کلیه نیروهای انقلابی
پسانده شود. چرا که ساله ای
که اتفاق افتاده تنها منحصر به
روابط فیما بین دو سازمان نبوده
و نیست. امری است که با برخی
مسائل مشخص جنبش کنونی و
آماج و اهداف پیروزمند آن رابطه
مستقیم دارد و در پیش گرفتن
شیوه های عملی ای که مجاهدین
در این رابطه سعی در اجرای
آن کردند، چیزی است که پیشتر
در دیدگاهها و برنامه آنها
دارد. اعمال چنین شیوه هایی
از سوی مجاهدین و یا هر نیروی
دیگری نه تنها در شرایط کنونی
جنبش انقلابی خلق کرد، بلکه
حتی خیلی پیشتر از آن که
مجاهدین پای در عرصه کردستان
بگذارند، مورد قبول و تحمل
هیچ نیروی انقلابی و دمکرات
نبوده و نیست و ملما بعد از
این نیز نخواهد بود. اقدامات
و برخوردهای از قبیل برخورد
و اقدام مجاهدین خلق از نقطه نظر
جنبش کنونی نه تنها محکوم و
مطرد، بلکه کاملاً ارتجاعی
محسوب می شوند. هر چند
مجاهدین خلق در برخورد به
در صفحه ۲



خلق کرد پیروز است
جدول يك ماهه
علیات پیشمرگان
خلق کرد

صفحه ۲۷

اخباری از
جنبش
توده های

صفحه ۱۰

نگاهی به مبارزات توده های
در کردستان (سه ماهه اول سال ۶۴)

جنبش انقلابی را به نابودی کشیده
و حکومت شاه زور و سر نهاده
خود را بر توده های انقلابی
خلق کرد تحمل نماید، همواره
با موجی از مقاومت و مبارزات
توده ای مواجه بوده است.

کارگران و زحمتکش کردستان
طی ۱ سال درگیری رزمی و
کیمت تجارب عملی و به کارگیری
آنها امروز به خوبی راه مقابله
با شیوه های مختلف سرکوب را که
رژیم پرورد آنان علیه جنبش
انقلابی به کار می بندد،
آموخته اند.

در صفحه ۲۲

طی سه ماهه اول سال جاری
اقتراضات و مبارزات توده های
سرم کردستان ابعاد وسیعی
پخش گرفته است. این مبارزات
که به طور روزمره در مقابله با
سیاست های سرکوبگرانه رژیم
جمهوری اسلامی جریان دارد هر
چند به صورت پراکنده، لیکن
در اشکال مختلف و بطور مستمر
به سدی عظیم در برابر اجرای
سیاست های ارتجاعی رژیم در
کردستان بدل گشته است.

رژیم جمهوری اسلامی که تا کنون
به شیوه های مختلف در مردم برآمده
است تا بخشهایی از دستانورهای

صدای فدائی

موج کوتاه بدینهای

۶۵ و ۷۵ متر

ساعات ۸/۵ بعد از ظهر ۱۲/۵

روز بعد

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی، برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق